

شود و گناهانشان بخشوده شود (۱).

سوره - ۶۷ - ملک - ۳۰ - آیه - مکی - جزو ۲۹

تفسیر لفظی

جزو بیست و نهم :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند فراخ بخشایش مهربان .

۱- تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . بزرگ است و بزرگوار و بابرکت در کارسازی و کردگاری ، که پادشاهی جهان به دست اوست و او بر همه چیز توانا است .

۲- الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَسْأَلُكُمْ آيَاتِكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ . آن خدائی که مرگ و زندگی را آفرید تا شما را بیازماید که چه کسی از شما نیکو کارتر است ؟ و اوست که تواند و تاود می پوشد و می آمرزد .

۳- الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ . خدائی که هفت آسمان را ز پرور بر هم آفرید ، در آفرینش خداوند چیزی فرو شده (تفاوت) نبینی ، چشم خویش را بازگردان ، آیا هیچ شکافی یا گشادی در آسمانها می بینی ؟

۴- ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ . باز چشم خویش و نگریستن خویش را باز آر ، تا چشم تو از نگریستن و عیب جستن در حال پس ماندگی و کم آمدگی پس آید ، در حالیکه او خود باز مانده و باز ایستاده است !

۵- وَ لَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَ جَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَ اعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ . ما آسمان دنیا را به چراغها بیاراستیم و آنها را چنان ساختیم که شیطانها را از در آسمان برانند و برای آنها عذاب آتش قرار دادیم .

۶- وَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا فِيهِمْ عَذَابٌ جَهَنَّمَ وَ يَشْسُ النَّاصِرِ . برای آنها که به پروردگار خویش کافر شدند عذاب دوزخ است که بدباز گشت گاهی است .

۷- إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَ هِيَ تَفُورُ . چون کافران را در دوزخ افکنند ، صدائی سخت زنده شنوند در حالیکه دوزخ می جوشد .

۸- تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلْتَهُمْ خَزَنَتُهُمْ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ . دوزخ می خواهد از خشم پاره پاره شود ، هر گاه گروهی در آن افکنند و عذاب سازان پرسند آیا شما را ترساننده نیامد ؟

۹- قَالُوا بَلَى أَقَدْ جَاءْنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ . گویند : آری ، آگاه کننده به ما آمد ، ولی ما او را دروغ زن گرفتیم و گفتیم : خداوند هیچ چیز فرو نفرستاده و شما نیستید مگر در گمراهی بزرگ ! (که این سخنان را می گویند) .

۱۰- وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ . و می گویند اگر ما می شنیدیم و آنرا درمی یافتیم ، ما در دوزخیان نبودیم .

۱- در عین حال البته نباید به امید عفو خداوندی ، گناه کرد و از انجام دادن وظیفه انسانی و تکلیف بندگی خودداری

کرد که خداوند هم خداوند رحمت است هم جبار منتقم و نقت ۱۱

۱۱- فَأَعْمَتْ قُرُوفُوا بِدَنَبِهِمْ فَتَسُحِقًا لَا صَاحِبَ السَّعِيرِ . پس آنان به گناه خویش نخستو شدند ، پس دوزخیان از رحمت خداوند دور باد !

۱۲- إِنَّ الدِّينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ . آنها که از خداوند در نهان ترس دارند آنان مردی راست آموزش هستند و پاداش بزرگ دارند .

۱۳- وَأَسِرُوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ . (ای بندگان من) خواه سخن خویش نهان و خواه آشکار دارید ، خداوند هر چه در دلتان است دانا و آگاه است .

۱۴- أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ . آیا کسی که دل را آفرید ، نمی داند در آن چیست ؟ در حالیکه او باریک‌دان و آگاه و دوربین است !

۱۵- هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُرًى فَامْشُوا فِيهَا وَكَلْبُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ . او است که زمین را رام و فرمان‌بردار شما کرد ، پس در کنارهای آن بروید و از روزی آن بخورید و (بدانید که) برگشت همه شماها بهان زمین است .

۱۶- أَمْ آمَنْتُمْ مِنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ . آیا از او که در آسمان است ایمن هستید که شما را در زمین فرو برد در همان حالیکه زمین شما را می‌گرداند ؟

۱۷- أَمْ آمَنْتُمْ مِنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نُنزِّلُ . آیا ایمن هستید از او که در آسمان است از اینکه بر شما سنگ ببارد؟ و شما خواهید دانست که ترساندن چون است !

۱۸- وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ . پیش از ایشان هم پیغمبران مرا دروغ‌زن گرفتند ، پس چون بود و چگونه دیدی ناخشنودی من نسبت به آنان ؟

۱۹- أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافِقَاتٍ وَيَقْبِضْنَ أَمَا يُنْمِسُ كَهَنُ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ . آیا مرغ را نمی‌بینند و نمی‌نگرند بالای سر آنها در حال پرواز و گستراندن بال ، در حالیکه باز پریدن را فراهم آورند ، هیچ کس آنها را در هوا جز خداوند نگاه نمی‌دارد که او به هر چیزی آگاه و بینا است .

۲۰- آمَنْ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي

عُرُورٍ . آیا کیست که سپاه شما است و شما را یاری می‌دهد بجز خدای مهربان ؟ آری ، کافران نیستند جز در فریب و غرور نادانی !

۲۱- آمَنْ هَذَا الَّذِي يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَلْ لَجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ . آیا کیست که شما را روزی دهد ؟ اگر خداوند روزی خود را باز گیرد ؟ این نیست جز آنکه کافران در شونخی و در رمیدن و در نافرمانی لج می‌کنند (می‌ستهند) .

۲۲- أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَى وَجْهِهِ أَهْدَى أَمَّنْ يَمْشِي سَوِيًّا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . آیا آنکه بر روی خویش نگوئسار می‌رود راست راه‌تر است یا آنکه (سر بلند) بر راه راست می‌رود ؟ (وراه‌رای‌بیند) .

۲۳- قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

بگو (ای پیغمبر) او خدائی است که شما را آفرید و شما را گوش شنوایی و چشم بینائی و دل هشیاری داد و شما به مقدار اندک شکر گزاری باشید !

۲۴- قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ . بگو آن خدا خدای است که شما را در زمین بیافرید و به سوی او باز برده خواهید شد .

۲۵- وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ . آنها می گویند: رستاخیز کی است؟ اگر شما راست می گوئید؟

۲۶- قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ . بگو (ای محمد) دانش آنچه می پرسید نزد خدا است و من تنها بیم دهنده آشکارم .

۲۷- فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ . چون رستاخیز را نزدیک ببینند ، بدی و اندوه در روی کسانی که کافر شدند پیدا میشود و به آنها می گویند این است آنچه را که در آن گیتی از ما باز می خواستید .

۲۸- قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن آهْلَكُنِي الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ . به آنها بگو اگر خداوند مرا و هر کس با من است بمیراند یا ببخشد؟ آن کیست که از عذاب دردناک پناه دهد؟ (به زینهار دارد) .

۲۹- قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ آمَنَّا بِهِ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ . بگو آن خدای رحمن است که به او گرویده ایم و به او توکل داریم ، آری ، بزودی خواهید دانست که چه کسی در گمراهی آشکار است؟

۳۰- قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مُّعِينٍ . بگو به آنها اگر این آب شما در زمین فرو رود ا چه کسی آب گوارا برای شما می آورد؟ (البته خداوند)

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، این آیت آیت پادشاهی است ، اگر نقاب پادشاهی بگشاید و جلال خدائی او پیدا گردد بر هر چه آن جلال افتد دمار از وی بر آرد؟ و رقم نبستی برو کشد اشونده این کلمه چنان از خود فانی شود که او را هیچ خیال نماند و از هر نشان که دهند از آن نشان نهان شود ا

باز بشنیدن نام رحمن و رحیم از تنگی دهشت به دشت انس افتد و فناء او به بقاء بدل شود این است سنت خدای عز و جل ا چون هیبت الاهیت نماید موجب دهشت و حیرت گردد، باز به صفت لطف و رحمت مرهم نهد ا رحمن و رحیم اشاره به کمال لطف و رحمت است ، هر که را دولت دین دهند منشور عز او از حضرت این نام نویسند ، و هر کرا داغ شقاوت بر جان نهادند ، رقم رسوائی او از حضرت این نام کشند ا

۱- تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ . آیه . پادشاهی ملک جهان به دست او است ، سر همه سروران در دست توانائی او است ، گردن همه گردن فرازان در بقیه تسخیر او است ، پیداشانی همه جبّاران ، رام قهر چبروت او است . سیاست عزت و ذلت همه نتیجه لطف و قهر او است .

خداوند می فرماید : من پادشاه پادشاهانم ، عزت و ذلت بندگان در دست من است ، و دلهای جهانیان در قبضه قدرت من ا چنانکه خواهم می گردانم ، خواهم بخوام و بچندانم ، و خواهم برانم و بگریانم ، ای شما که

جهانیانید ، دل در دین ما بندید و دل درویشان مبندید ، تو کمال بر کرم ما کنید ، روی به درگاه طاعت ما آرید ، دین پرست باشید ، تا دنیا تابع شما شود ، خدمت شاه شاهان (خداوند) کنید تا پادشهان جهان شما را خدمت کنند .

خدمت او کن مگر شاهان تو را خدمت کنند چاکر او باش تا سلطان تو را گردد غلام

بدانکه مُلک انسانیّت جدا ، و مُلک دها جدا ، و مُلک جهانها جدا است ، انسانیّت در دنیا مُلک راند ، و دل در آخرت مُلک راند ، و جان در عالم حقیقت مُلک راند ، مُلک آدمی در دنیا لهو است و لعب که إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَهْوٌ وَ لَعِيبٌ وَ زِينَةٌ . مُلک دل دوستی از دوسو است که يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ مُلک جان این است که : وَ جُؤهُ "يَوْمَ مَسَدٌ نَاضِرَةٌ إِلَىٰ رِبِّهَا نَاضِرَةٌ" . روی های شکوفان بسوی خدای می نگرند . آن عزیزا گوید : فردا که پرچم کبریای خداوند به رستاخیز برند و لِمَنِ الْمُلْكُ كُود ، من از گوشه دل خویش به دستوری او دری برگشایم و دردی از دردهای او بیرون دهم تا اگر دقیامت بر آید و لِمَنِ الْمُلْكُ كُود اگر کسی بر عزیزا اعتراض کند که بنده را چه رسد که : لِمَنِ الْمُلْكُ كُود ؟ او گوید : او که چون ما ضعفا و مساکین دارد ، لِمَنِ الْمُلْكُ كُود ! ما که چون او پادشاهی مقتدر قهار و جباری داریم چرا نگوئیم : امروز پادشاهی که راست ؟ اگر او را چون ما بندگان است ما را چون او خداوند است ، کسی که در حرم قرآن بار داده شده ، خلعت تشریف لیس علیهم سلطان پوشد و شربت و سقاهم زبهم نوشد ، چنین کسی را چرا نرسد که بر جهان خواجگی کند و شبانگاه و بامدادان گوید لِمَنِ الْمُلْكُ كُود ؟ (۱)

جز خداوند مفرمای که خوانند مرا سزد این نام کسی را که غلام تو بود !
بگسلانم کمر گردون از قوت خویش چون به طرف کمرم نقش ز نام تو بود

سوره - ۶۸ - قلم - ۵۲ - آیه - مکی - جزو ۲۹

تفسیر لفظی

- ۱- بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ . بنام خداوند جهان دار دشمن پرور ببخشاینده و دست بخشای به مهربانی .
- ۲- مَا اَنْتَ بِنِعْمَةٍ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ . با آن نعمتی که از خداوند به تو است تو دیوانه نیستی .
- ۳- وَاِنْ لَكَ لَآخِرٌ اَخِيْرٌ مِّمَّنْهُنَّ . و تو را مزدی ، ناکاست شدنی است .
- ۴- وَاِنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيْمٍ . و تو (بر ادب پیغام ما) بر خوئی بسیار نیکو هستی .
- ۵- فَسَتَبْصِرُ وَ يُبْصِرُونَ . آری ، پس تو خواهی دید و آنها هم ببینند که :
- ۶- بِاَيْكُمْ اَلْمُتَّقُونَ . که دیوانه و فتنه رسیده و فریفته از شما کیست ؟
- ۷- اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيْلِهِ وَ هُوَ اَعْلَمُ بِاَلْمُهْتَدِيْنَ . پروردگار تو دانانتر است به هر کسی که از راه راست گمراه شده و او دانانتر است به یافتگان راه راست .
- ۸- فَلَا تُطِيعِ الْمُكْفَرِيْنَ . پس تو (ای پیغمبر) بنگر ، که دروغ زن گران را فرمان نبری !
- ۹- وَ دُوًّا لَو تَدْرِكُنَّ فَيُدْهِنُونَ . دوست دارند که تو به چیزی فرا ایشان آئی تا آنها هم فرا تو آیند .
- ۱۰- وَلَا تُطِيعِ كُلَّ حَسْبَافٍ مَّهِيْنٍ . هر سوگند خوارِ دروغ زنِ خوار شده ای را فرمان مبر !

۱- از این بیان و تعبیر چنین فهمیده میشود که مراد از (غریز راه) پیغمبر اسلام است که دارای این مقام می باشد .

۱۱- هَمَّا زِ مَشَاءٍ يَنْبَغِي . (یعنی) مردم غیبت کن و مردم نیکو و سخن چین ا
 ۱۲- مَنَاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَنِيْمٍ . از نیکوئی بازدارنده و گزاف کار و گزاف گو و ناسازگار و گناه کار
 و پلید کار است .

۱۳- عَتُلٍ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيْمٍ . درشت خو و بعد از آن نادرست و بدنام و بداصل و فرزند زنا .

۱۴- اَنۡ كَانَ ذَا مَالٍ وَ بَنِيْنًا . از بهر آن که کسی دارای مال و فرزندان می باشد .

۱۵- اِذَا تَتَلَاٰ عَلَيْهِ اٰيَاتُنَا قَالَا سُلٰطِيْنٌ اَلَا وَاٰلِيْنَا . چون سخنان ما بر او خوانند، گوید این افسانه

پیشینیان است .

۱۶- سَتَسِمُهٗ عَلٰى الْخُرٰطُوْمِ . آری ، فردا او را نشانی در روی نهیم .

۱۷- اِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا اَصْحَابَ الْجَنَّةِ اِذْ اَقْسَمُوْا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِيْنَ .

ما آنها را (به آنچه از مال دادیم) آزمایش کنیم ، چنانکه سه برادر صاحبان باغ را آزمودیم (باغ در صنعای
 یمن بوده) آنگاه که همگی سوگند یاد کردند که صبح زود انگور و خرما و کاشتهٔ بستان را ببرند (تا بی نوایان
 نرسند و چیزی بخواهند) .

۱۸- وَاٰلَا يَسْتَشْنُوْنَ . و نگفتند اگر خدا بخواهد ا

۱۹- فَطَافَ عَلَيْهِمْ طَٰئِفٌ مِّنۡ رَبِّيْكَ وَهُمْ نٰثِمُوْنَ . شبانه به آن باغ رکبشت آنشی از آسمان

از سوی خداوند رسید و همه را سوزانید در حالیکه آنها همگی در خواب بودند .

۲۰- فَاَصْبَحَتْ كَالصَّرِيْمِ . آن بستان چون شب سیاه و بی گیاه و آب شد .

۲۱- فَتَنَادَوْا مُصْبِحِيْنَ . نزدیک بامداد همگی یکدگر را آواز دادند که به میوه چینی باغ روند ا

۲۲- اَنۡ اِغْدُوْا عَلٰى حَرٰثِكُمْ اِنۡ كُنْتُمْ صٰرِيْمِيْنَ . از خواب بامداد برخیزید تا به سوی کشت گاه

خودمان رویم اگر چیدن میوه می خواهید ا

۲۳- فَاَنْطَلَقُوْا وَهُمْ يَتَخَفَتُوْنَ . پس براه افتادند و با هم رازی کردند و به هم می گفتند :

۲۴- اَنۡ لَا يَدْخُلْنَهَا الْيَوْمَ عَلَيۡكُمْ مِسْكِيْنَ . که امروز هیچ درویشی و فقیری بر شما در آن

بستان نیاید ا

۲۵- وَغَدَوْا عَلٰى حَرَدٍ قٰدِرِيْنَ . بامدادان که با آهنگ بد آمد، چون نزدیک باغ رسیدند هیچ

درویش و فقیری ندیدند خوش حال شده گفتند: مادست یافتیم (پیروز شدیم) .

۲۶- فَلَمَّا رَاُوْهَا قَالُوْا اِنَّا لَصٰٰلُوْنَ . پس چون بستان را هامون دیدند (همه سوخته و دود شده)

گفتند: ما راه گم کردیم . و این جا، باغ ما نیست ا ولی چون دانستند که باغ آنها است که سوخته گفتند :

۲۷- بَلۡ نَحْنُ مَحْرُوْمُوْنَ . نه ، راه کم نگردیم ا بلکه از نعمت و میوهٔ این باغ بی بهره شدیم .

۲۸- قَالَا اَوَسَطۡهُمۡ اَلۡمَ اَقۡبَلُ لَكُمۡ لَوۡلَا تَسۡبَحُوْنَ . بهینه برادران آنها گفت : نگفتم شما را

که چرا خدای پاک را ستایش نکنید ا و ندانید که او ستم را نمی پذیرد؟

۲۹- قَالُوْا سُبْحٰنَ رَبِّنَا اِنَّا كُنَّا ظٰلِمِيْنَ . گفتند : بخداوند ما از ستم کاری پاک است و این

مائیم که ستم کردیم و ستم کارانیم ا

۳۰- فَمَا قَبِلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَّبِعُونَ آيَاتِنَا وَمُؤَنَ . پس آنها روی فراهم کردند و یک دگر را سرزنش میدادند!

۳۱- قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا طَاغِينَ . گفتند: ای وای بر ما که ما از اندازه بیرون شدیم (طغیان

کردیم) و فرمان برداری خداوند را بگذاشتیم .

۳۲- عَسَىٰ رَبُّنَا أَنْ يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ . امید است که پروردگار ما

بہتر از آن بما دهد و ما بسوی خدای خود می گردیم و پناه می بریم .

۳۳- كَذَلِكَ الْعَذَابُ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةُ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ . چنین است عذاب

این جهانی! و عذاب آن جهان بزرگتر است اگر بدانند!

۳۴- إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ . برای پرهیزکاران از شرک نزد پروردگارشان

بهشتی پر ناز و نعمت است .

۳۵- أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ (خداوند به کافران گوید): آیا ما مسلمانان را چون کافران سازیم؟

۳۶- مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ . شما را چه رسیده که چنین حکمی می کنید؟

۳۷- أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ . آیا شما را کتاب آسمانی است که همی خوانید؟

۳۸- إِنْ لَكُمْ فِيهِ لَمَّا تَخَيَّرُونَ . شما است در آن کتاب آنچه را اختیار می کنید .

۳۹- أَمْ لَكُمْ آيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْغَيْهِ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنْ لَكُمْ لَمَّا تَحْكُمُونَ . یا شما را

سوگندهائی و پیمان هائی به ما تا روز رستاخیز رسیده؟ که شما است آنچه حکم می کنید؟ (و چنین اختیاری دارید؟)

۴۰- سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذَلِكَ زَعِيمٌ . از آنها پرس (ای پیغمبر) تا کیست از ایشان که میانجی و نماینده

درستی آن پیمان است؟ (و درستی آنها را بعهده می گیرد)

۴۱- أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ . یا آنان شریک هائی دارند پس

باید آنان را بیاورند اگر راست می گویند .

۴۲- يَوْمَ يَكْشِفُ عَن سَاقٍ وَيَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَجِيبُونَ . آن روز که پرده از

ساق برکشند و مردم را به سجود خوانند، آن روز ناگروندگان نتوانند بجهده کنند!

۴۳- خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ .

در حالیکه چشم آنها از بیم فرو شده و خواری بر روی آنها نشسته! در حالیکه در دنیا چون آنانرا به سجده کردن

خواندند با آنکه سلامت بودند، اجابت نکردند .

۴۴- فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَلِّبُ بِهِ لَدَا الْحَدِيثِ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ .

پس (ای پیغمبر) گسائی که این سخن را دروغ می شمردند به من واگذار، آری، من آنها را طوری (بتدریج خرد

خرد) فراگیرم از جائیکه ندانند .

۴۵- وَأُمْلِي لَهُمْ إِنْ كَيْدِي مَتِينٌ . وایشان را مهلت (درنگ) دهم، زیرا که ساز من استوار و کار

بردباری بر من فراخ و از فردا مرا بیم نه .

۴۶- آم تَسْتَغْلِبُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّنْ مُّغْرَمٍ مُّشْقَلُونَ . یا بر رسانیدن پیغام از آنها مزد می خواهی
 که آنان چنین گزان بار گشتند ؟

۴۷- آم عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ . یا علم غیب نزد ایشان است که ایشان می نویسند ؟
 ۴۸- فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَى وَهُوَ مَكْظُومٌ . پس
 (ای محمد) به حکم پروردگارت شکیبا باش و چون مرد ماهی (یونس) مباش آنگاه که در حال پرغم و اندوهگین
 ما را خواند و ندا زد! (۱)

۴۹- لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِّنْ رَبِّهِ لَسُبَّ بِالنَّعْرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ . اگر نه آن بود که نعمت
 خدای را دریافت کرد، خداوند او را از شکم ماهی به هامون رستاخیزی افکندی و روز رستاخیز بر او سرزنش و نکوهش بود!
 ۵۰- فَاجْتَنِبْهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ . پس خداوند او را برکشید و برگزید و او را از
 شایستگان ساخت .

۵۱- وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ
 إِنَّهُ لَمَجْشُونٌ . اگر کافران نزدیک توشوند، چون قرآن بشنوند آنرا به چشم زدن به زمین آرند و می گویند:
 او دیوانه است (پس متوجه آنها باش).

۵۲- وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ . در حالیکه این صدای آوای جهانیان و شرف دوگیتی است .

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (باء) اشاره به بیرونی کوئی خداوند به اهل سعادت است ، (سین) اشاره
 به سابقه رحمت به اهل جهالت است ، (میم) اشاره به مقام محمود اهل شفاعت است .
 بیرونی کوئی خداوند آنست که دل بنده را به نور معرفت بیاراست و چراغ توحید در آن بی فروخت ،
 سبق رحمت آنست که در عهد ازل پیش از وجود آفرینش ، از بهر بندگان بر خود رحمت نوشت که فرمود :
 كَتَبَ عَلَيَّ نَفْسِيهِ الرَّحْمَةَ . مقام محمود آنست که خداوند به مصطفی فرمود : از بهر شفاعت گناه کاران امت ،
 فردا تو را در مقامی برپا کنم که همه پیشینیان و پسینیان آنرا بستانند که فرمود : عَسَى رَبُّكَ أَنْ يَبْعَثْكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا .
 ن ، وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ . (ن) حرف تهنیتی است و حرفهای تهنیتی ، لغات را اصل و کلمات
 را وصل و آیات را فصل است و همه دلیل کرم و فضل ، بعضی مجمل و بعضی مفصل که از لطف اشارت و به
 میهر بشارت و گناه را کفارت و دلهای دوستان را غارت است ، آن حروف مایه سخنان و پیرایه سخن گویان است ،
 و فهم آن نشان موافقان و بار برگردن مخالفان و خار در چشم بدعت گزاران است .

اعتقاد مؤمنان آنست که این حروف ، کلام خداوند است خداوندی که او را علم و قدرت است ، علم
 او بی فکر ، قدرت او بی آنت ، ملوک او بی نهایت ، عنایت او بی رشوت ، عطای او بی منت ، خداوندی که

۱- این آیت در جنگ احد نازل شد وقتی که مشرکان دندان پیغمبر را با سنگ شکستند و او خواست در حق
 آنها نفرین کند اخطاب به پیغمبر رسید که مانند یونس که در عذاب قوم خود شتاب کرد و گرفتار ماهی شد مباش ، که اگر او
 مورد بخشش خداوند نشده بود ، تا رستاخیز ملوم و مورد سرزنش بود و توشکیبا باش و شتاب در عذاب آنها مکن .

دایره
 بیرون
 و
 بیرون
 و
 بیرون

جهانرا سازنده و خالق را نگاهدارنده و دشمن را دارنده ، و دوست را یاری دهنده است .
 پیرطریقت در مناجات خویش می گوید: الاهی ، هر چند ما گنه کاریم تو غفاری ، هر چند ما زشت کاریم
 تو ستاری ، پادشاه ، گنج فضل تو داری و بی نظیر و بی یاری ، سزد که خطاهای ما را در گذاری .

(ن) دوات است و (قلم) خامه ای از نور و نویسنده خداوند غفور ، لوح کبردار و رفتار مخلوق را با قلم
 ز برجد و بامداد نور بردقتر یا قوت نوشت لوح کارهای مخلوق را بامداد فضل بردقتر لطف در دل آنان ایمان
 نوشت که فرمود: (كَتَبَ فِی قُلُوبِهِمُ الْاِیْمَانَ) .

۲- مَا اَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمُنْجِنٍ . آیه . مهتر عالم ، سید فرزندان آدم ، مرد کار بود ، معتکف
 در گاه عزت ، مجاور محله محبت ، ذری از صدف قدرت برآمده ، آفتابی از فلک اقبال تابیده ، آسمان وزمین
 به وی آراسته و شب معراج او را گفتند : ای سید ، بر این گلشن بلند برخرام که عالم قدس در انتظار تو است ،
 و جمله فردوسیان عاشق جمال تو ا و آستانه حضرت ما مشتاق قدم معرفت تو است .

۳- وَ اِنَّ لَكَ لَاجْرًا غَیْرَ مَمْنُونٍ . آیه . آن مهتر عالم چون قدم در خلوت (اواذنی) بر بیساط
 انبساط نهاد ، خطاب از حضرت جلال آمده که : درود و رحمت بر تو باد امشب ما خزینه دار سلام را در لشکر گاه
 سینه تو نثار می کنیم و پاداش می دهیم ، سید گفت : ما را از خداوند پروای خزینه نیست ، آنرا برگدایان امت
 ایثار کردیم ! گفتند : ای سید ، به آفرینش برون نگر که همه منتظر جمال تو اند ! تا امشب از تو بهره ای بردارند ،
 سید گفت : در این مقام که سعادت ما را فرود آورد ، ما را سر به روضه رضوان و حجره آدم سرفرونیاید ،
 از حضرت سبحان ندا آمده که :

۴- وَ اِنَّكَ لَعَلَّ اَخْلُقَ عَظِیْمٍ . آیه . باش تا فردای قیامت که عاتق دولت تو به عرصه بزرگ
 برافرازند ، و تو قدم در رکاب براق آورده ، جامه افتخار پوشیده ، تاج فضل بر سر نهاده ، لواء حمد در دست
 گرفته ، آدم و هر که دون او است از پیغمبران و ولیان همه در زیر عظیم عزت تو و رایت قدرت او در آمده و از
 حضرت عزت این ندا و نواخت بر آمده که (ای محمد) : سخن بگو تا بشنوم ، بخواه تا بدهیم ، شفاعت کن تا بپذیریم ،
 قدر و مقام آن مهتر عالم را موسی دانست که در آن غیرت از این عالم بیرون شد و دل بر آن نهاده بود که خادی این
 مهتر عالم را میان بندد ، و در گاه مکه و مدینه را با جاروب عاشقی برود ! آری ، ای جوان مرد ، قدر آن مهتر
 که داند و کدام خاطر به بدایت او رسد ؟ پیمبران در برابر او ستارگانی بودند در برابر آفتاب ! چنانکه آفتاب
 اگر پنهان باشد ستارگان از وی نور گیرند و چون آفتاب پیدا شود آنها همه ناپیدا گردند ! همین گونه پیمبران
 نور از مصطفی گرفتند و چون او به عالم صورت در آمد ، ایشان همه گم شدند .

﴿سوره ۶۹- الحاقه- ۵۲- آیه- مکی- جزو ۲۹﴾

﴿تفسیر لفظی﴾

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ - بنام خداوند دشمن پرور به بخشاینده و دوست بخشای به مهربانی .
 ۱- الْحَاقَّةُ . ۲- مَا الْحَاقَّةُ . ۳- وَمَا اَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ . آن روز جزا ، آن روز بودنی ا چه چیز
 تو را دانا کرد (ای محمد) که آن روز چه روزی است و آن کار چه کار است ؟

۴- كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ . قوم عاد و ثمود ، روز رستاخیز را دروغ دانستند .
 ۵- فَاَمَّا ثَمُودُ فَتَاهُكَوَا بِالطَّاغِيَةِ . اما قوم ثمود به سبب نافرمانی تباہ و هلاك شدند .
 ۶- وَاَمَّا عَادٌ فَتَاهُكَوَا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ . اما قوم عاد با باد سخت سرکش هلاك شدند .
 ۷- سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَنَّا قَوْمًا فِيهَا صَرْعَىٰ
 كَأَنَّهُمْ أَعْجَازٌ نَّخْلٍ خَلَاوِيَةٍ . که خداوند آن باد را هفت شب و هشت روز بر آنها برگذاشت | و پیوسته برهم
 آن چنان که از خان و مان آنها اثری نگذاشت ، تو آنها را بینی (ای محمد) که در عذاب افتاده | گویا که آنان
 خرما بنان بی شاخ هستند که از رُستنگاه افکنده شده اند |

۸- فَهَلْ تَرَىٰ لَهُمْ مِّنْ بَاقِيَةٍ . آیا می بینی (ای محمد) که کسی از آنها مانده باشد ؟
 ۹- وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَاتُ بِالْخَطِاطِيَةِ . فرعون و کسان پیش از او و قوم
 لوط ، همگی روی خویش را (به خطا کاری) آوردند .

۱۰- فَعَصَا أَرْسُولَ رَبِّهِمْ . فَاَخَذَهُمُ أَخَذَةً رَابِيَةً . پس آنها فرستاده خدایشان را نافرمانی
 کردند و خداوند آنان فراگرفت فراگرفتنی بیش از آنکه می ترسیدند و افزون از آنکه می کردند .
 ۱۱- إِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجِبَالِ . آنگاه که آب طغیان کرد ما شمارادر کشتی
 (نوح) برداشتم و از غرق شدن رها ساختم .

۱۲- لِيَنْبُئَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا أذُنٌ وَّاعِيَةٌ . تا آنرا یادگاری کنیم (در جهان) و گوش
 دریابنده و نگاه دارنده آنرا گوش دهد و نگاهدارد و پند و عبرت گیرد |

۱۳- فَاِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ . پس آنگاه که در صور در دمند یک دمیدنی :
 ۱۴- وَحُمِلَتِ الْاَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً . و آنگاه که زمین و کوه ها را بردارند
 پس درهم کوبیده شوند درهم کوبیدنی :

۱۵- فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ . آن روز روز واقع شدنی و افتادنی رستاخیز است .
 ۱۶- وَاَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَّاهِيَةٌ . آنگاه که آسمان برشکافت پس آن روز آسمان
 سست و تباہ شود و مانند کاه پراکنده شود .

۱۷- وَالْمَلَائِكَةُ عَلَىٰ اَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ . و فرشتگان
 بر کرانه های آسمان ایستاده (می نگرند) و عرش خداوند را آن روز هشت فرشته در بر گیرند |

۱۸- يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَىٰ مِنْكُمْ خَافِيَةٌ . آن روز شما را عرضه کنند و پیش آرند و هیچ
 چیز از کارهای شما پوشیده و پنهان نمی ماند .

۱۹- قَالُوا مَنْ اَنْتَ يَا كِتَابَةَ بَيْمِيْنِهِ فَيَقُولُ هَلْ اَمْ اَفْرؤُا كِتَابِيَةً . اما آن کس که نامه
 را دست راست او دهند ، گوید: بیائید نامه من را بگیرید و بخوانید .

۲۰- اِنَّا ظَنَنَّكَ اَنْتَیْ مَلَاكٍ حِسَابِيَةٍ . (و گوید) من گمان دارم که امروز شمار کارهای خود را خواهم دید .
 ۲۱- فَهُوَ فِي عَيْشَةٍ رَّاضِيَةٍ . پس او (که در بهشت حساب است) در زندگانی پسندیده است .

- ۲۲- فِی جَنَّةٍ عَالِيَةٍ... در بهشتی بالا بلند (وبرگزیده) آرمیده.
- ۲۳- قُطُوفُهَا ذَانِيَةٌ. که خوشه های میوه بهشت نزدیک دست چیننده است.
- ۲۴- كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا آسَلْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ. (گویند) بخورید و بیاشامید گوارای وجود، آن به سبب آن کردارهای و کارهایی است که در روزگار پیش فرو فرستادید.
- ۲۵- وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهٗ. اما کسی که نامه اش به دست چپ او داده اند، می گوید: ای کاش مرا نامه ندادندی!
- ۲۶- وَلَمْ أَذِرْ مَا حِسَابِيَهٗ. و کاشکی من شمار کارهای خود را نمی دانستم!
- ۲۷- يَا لَيْتَنَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ. ای کاش همیشه مرا مرگ بود که چنین روزی نمی دیدم.
- ۲۸- مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهٗ. مال و دارائی من مرا امروز به کار نیامد!
- ۲۹- هَلْكَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهٗ. توان و قدرت و سلطه من تمام شد (عذر من بپذیرید).
- ۳۰- خُدُوهُ فَعُلُوهُ. (گویند) او را بگیرید و دستهای او را برگردن او بندید.
- ۳۱- ثُمَّ النَّجِيمَ صَلُّوهُ. آنگاه او را به آتش رسانید و بسوزانید.
- ۳۲- ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ. پس از آن، او را در زنجیر هفتاد بازو به بندید.
- ۳۳- إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ. زیرا که او به خدای بزرگوار نگرورده بود.
- ۳۴- وَلَا يَخْضَعُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ. و بر غذا دادن به فقیر و سیر کردن گرسنگان نمی انگیخت.
- ۳۵- فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَاهُنَا حَمِيمٌ. پس امروز او را هیچ دوست و حامی و یاور نیست.
- ۳۶- وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ. و نه در آنجا خوراکی و غذائی است مگر آنچه از چرکیها و پلیدیهاست.
- ۳۷- لَا يَأْكُلُهُ إِلَّا الْخَاطِئُونَ. که نخورند از آن خوراک مگر خطا کاران و گناه کاران.
- ۳۸- فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ. پس سوگند می خورم به آنچه می بینید از آفریده ها در روی زمین و از نعمتهای ظاهری. (۱)
- ۳۹- وَمَا لَا تُبْصِرُونَ. و سوگند می خورم به آنچه نمی بینید از آفریده ها در زیر زمین و از نعمتهای باطنی. (۱)
- ۴۰- إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ. سوگند می خورم که این گفتار فرستاده راستگویی پاک مقام است.
- ۴۱- وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ. و نه سخن شاعر است! چون شما اندک می گروید! و اندک در می یابید و کمتر ایمان می آورید؟
- ۴۲- وَلَا يَقُولُ كَالَّذِينَ مَا تَدَّكُرُونَ. و این سخنان نه سخن کاهن است و شما اندک پندی پذیرید.
- ۴۳- تَنْزِيلٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ. این سخنان فرو فرستاده از سوی خداوند جهانیان است.
- ۴۴- وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ. و اگر رسول خدا، جز از گفته ما سخنی فرا نهادی.
- ۴۵- لَا آخِذْنَا مِنْهُ بِالْبِئْمَانِ. ما هر آینه دست او را به سخنی می گرفتیم و بیستیم.
- ۴۶- ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ. آنگاه رگ دل او را بگسستیم و ببردیم.
- ۴۷- فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عِنْدَهُ حَاجِزِينَ. و هیچ یکی از شما باز دارنده عذاب از او نیست!

۱- کلمه (لا) در هر دو آیه (زاید) شناخته شده که بسیار در آیه سوگندها معمول است.

- ۴۸- وَإِنَّهُ لَشَدِيدٌ كَرِيمٌ لِّلْمُتَّقِينَ . این سخن یادگار پرهیزگاران است .
 ۴۹- وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنكُم مَّكَدٌ بَيْنَ . و ما میدانیم که از شما دروغ زن گیرانند به این سخن ا
 ۵۰- وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ . و این پیغام برای کافران حسرت پشیمانی است که نپذیرفته .
 ۵۱- وَإِنَّهُ لَيَحِقُّ الَّتِيقِينَ . و اینکه آن سخن و آن پیغام راست است بدرستی .
 ۵۲- فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ . پس بپاکی یادکن خدای بزرگ را (ای محمد).

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - نام خدا راحت روح است و شفای دل زخمدار .

اندر همه عمر من ، شبی وقت صبح آمد بر من ، خیال آن راحت روح
 پرسید زمن که : چون شدی ای مجروح ؟ گفتم که : ز عشق تو همین بود فتوح
 پیرو یقیت گفتم : خدایا ، به نشانت بیندگانیم ، به نامت زندگانیم ، به فضلت شادانیم ، به مهرت نازانیم ،
 از جام مهر تو مست مائیم ، صید عشق تو در دام مائیم .

زنجیر معنبر تو دام دل ما است
 در عشق تو چون خطی بنام دل ما است
 ۱- الحاقه ما الحاقه . رستاخیز چه گوئیم که چیست ؟ آن رستاخیز حق است و بودنی ، راست
 است و افتادنی ، هر کس برسد به آنچه سزای او است و پاداش گیرد از نیک و بد که در جریده او است ا
 بزرگان دین گفته اند : قیامت دوتا است ، یکی امروز و دیگری فردا ، امروز مرگ است که در هر کس
 خبر است که هر کس مُرد رستاخیز او به پا میشود و هر کس به این قیامت بقین دارد همیشه در هول و هراس مرگ
 است ا و همواره از نهیب آن سوخته و گداخته باشد ا و پیوسته در تهیه برگ راه و ساز آن سفر است .
 نیز بزرگان دین گفته اند : آدمی از دو حال بیرون نیست یا مانند ستوری است در توبله (استبل) باز داشته
 یا بر مثال مرغی در زندان قفس کرده ا آن بیچاره که مانند ستور است از مرگ می ترسد و می لرزد ا داند که چون
 او را بیرون برند در زیر بارکشند ا و آن جوان مرد که بر مثال مرغ است پیوسته در انتظار مرگ است ، زیرا
 می داند که همه شادی و راحت مرغ از شکستن قفس او است . چنانکه آن جوان مرد گفت :

کی باشد ، کین قفس بپردازم در باغ الاهی آشیان سازم

اما قیامت فردا : روز برخاستن است که خلق اولین و آخرین را در آنجا گرد آورند ، روزی بزرگ و
 کاری سخت و سیاسی دشوار ا ایوان کبریا بر کشیده ا میزان عدل در آن سوخته ، پُل راه راستی بار کشیده ، فردوس
 جمال آراسته ، دوزخ هیبت بر آشفته ، آن روز روزی است که پرده ها بردارند و رازها آشکارا کنند و تاجهای
 بازی و هزل به خاک اندازند و کلاههای هوی و هوس فرو نهند ، و پندارها از آب و خاک بیفشانند ، و پاداش
 نیک و بد در کنار نهند ، و این کار از دو حال بیرون نیست ، یا بر بنده سلام کنند و نعمت سلامت اسلام بر او تمام
 نمایند و نامه به دست راست او دهند که فرمود : فَأَمَّا مَن أُوتِيَ كِتَابًا بِهِ بِسْمِئِهِ .

یا اسیر عذاب و غرام گردند و لذتهای روحانی بر او حرام کنند و نامه کیز دار او را به دست چپ او

دهند که فرمود: **وَ آمَنَّا مِنْ أَوْتَىٰ كِتَابِهِ بِشِمَالِهِ .**

آنرا که نامه به دست راست دهند از عالم ملکوت هر لحظه هزار شربت گوارای مهر و کرامت و لطافت به دست او دهند و در آسمانها حدیث او کنند . و درگیردا گیرد عرش از بهر وی مباحثات کنند . آنگاه او را به بهشتهای جاویدان برند و با حور عین و غلمان بنشانند و تاج و قار بر سرش نهند و بر مائده جاوید آرامش دهند و از حضرت عزت این ندا رسد که :

۲۴- **كُلُّوْا وَ اشْرَبُوْا هَنِيْئًا بِمَا اسْتَلْفْتُمْ فِي الْاِلَآلَامِ الْخَالِيَةِ .** آیه . بخورید و بیاشامید از این نعمتهای بهشت هر گوه که خواهید، چون از فزع اکبر این گشته و به جایگاه صدق رسیدید ، کس را باشما حساب نه و ما را باشما عتاب نه . ایشان چون این ندا شنوند ، آواز بردارند و سپاس گزارند که به وعده خداوندی رسیدند و گویند: سپاس آن خدائی که وعده خود را راست گردانید و ما را شراب وصل چشانید .
و آنرا که نامه به دست چپ دهند ، ندای قهر و سیاست به خازنان دوزخ آید که :

۳۰- **خُدُوْهُ فَغَلُوْهُ ثُمَّ الْجَحِيْمَ صَدُوْهُ** تا آخر آیه ... او را گیرید ، به قهر و عنف کشید ، او را به دوزخ برید ، دست و پای او را در غل و زنجیر کشید و به سقر (آتش دوزخ) رسانید ، که اگر شرری از آن آتش به دنیا فرستند همه بی تاب شوند ! پس چون باشد حال کسی که در میان آن آتش باشد ؟
مصطفی فرمود : به آن خدای که جان من در دست توانائی اوست ، اگر یک حلقه از آن غلها و زنجیرها بر کوههای دنیا نهند همه کوهها بگدازد و به زمین فرو شود ! پس چون بود حال کسی که بدین غلها و زنجیرها بند کنند ؟ پس از آن فرمود : حمد خدا را در هر حال و پناه به خدا از حال اهل نار !!

سوره ۷۰ - معارج - ۴۴ - آیه - مکی - جزو ۲۹

تفسیر لفظی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ - بنام خداوند فراخ بخشنده مهربان .

- ۱- **سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ .** پرسنده ای از عذاب واقع شدنی پرسید * ۲- **لِلْكَافِرِيْنَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ .** ناگروندگانرا از خداوند باز دارنده ای نیست * ۳- **مِنَ اللّٰهِ ذِي الْمَعَارِجِ .** از سوی خداوند دارای صفات و عطایای باشکوه * ۴- **تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِيْنَ أَلْفَ سَنَةٍ .** بسوی خداوند فرشتگان و جبرئیل در روزی که اندازه آن پنجاه هزار سال است * ۵- **فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيْلًا .** تو شکیبائی کن (ای پیغمبر) شکیبائی نیکوئی * ۶- **إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيْدًا .** آنها آن روز را دور (نابودنی) می دانند * ۷- **وَتَرَاهُ قَرِيْبًا .** و ما آنرا نزدیک (بودنی) می دانیم * ۸- **يَوْمَ تَكُوْنُ السَّمَاوَاتُ كَالْذَهَبِ .** آن روز که آسمان از بیم چون دردی زیت یا مانند مس گداخته گردد * ۹- **وَتَكُوْنُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ .** و کوهها چون پشم رنگارنگ شوند * ۱۰- **وَلَا يَسْأَلُ حَمِيْمٌ حَمِيْمًا .** آن روز هیچ کس از خویش و دوست نپرسد * ۱۱- **يُبْصِرُوْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ يُؤَدُّ الْمَجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ يُبْتِغِيهِ .** بر دیدار چشم او می دارند (نشان دهند) که کافر دوست دارد برای رهائی از عذاب آن روز ، فرزندان خود را فدا کند و عذاب را باز خرید کند .
* ۱۲- **وَصَلَّحْتَهُ وَآخِيَهُ .** و یازن و برادر خویش را باز خرید کند * ۱۳- **وَقَصِيْلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ .** و خاندان او

که او را می‌داشتند.*- ۱۴- وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنصِبِهِ . و همه کسانی که در زمین هستند همه آنها
 او را از آن عذاب برهانند.*- ۱۵- كِتَابًا إِنَّهَا لَطَىٰ . آنرا نجات نبوده نه ، همانا ، آن آتشی است زیانه زن .
 - ۱۶- تَرَاةَ لَيْلَسَوَى . که پوست از تن بر کند.- ۱۷- تَدْعُو مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّىٰ . کسانی را که از حق برگشتند
 و به فرمان برداری پشت کردند ، (به یاری خود می‌خواند)*- ۱۸- وَجَمَعَ فَأَوْعَىٰ . و آنها که مال جمع کردند و
 بنهادند.*- ۱۹- إِنْ إِلَّا نَسَانٌ خَلِقَ هَلْدُوعًا . مردم ناشکیبا و تنگ دل و آزمند آفریده شدند.*- ۲۰- إِذَا مَسَّهُ
 الشَّرُّ جَزُوعًا . چون بدو درویشی و فقر رسد می‌زارد.*- ۲۱- وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا . و چون به او مال
 رسد ، از دادن آن دریغ دارد.*- ۲۲- إِلَّا الْمُصَلِّينَ . مگر نماز گزاران . ۲۳- الَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ
 دَائِمُونَ . آنان که بر نماز خود همیشه پاینده‌اند.*- ۲۴- وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ . و کسانی که در
 مالهای خویش حق می‌بینند.*- ۲۵- لَيْسَ لَيْلَسَائِلِ وَالْمَتَّخِرُونَ . برای خواهنده و درمانده.*- ۲۶- وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ
 بِيَوْمِ الدِّينِ . و آنان که روز رستاخیز را گواهی دارند.*- ۲۷- وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ .
 و کسانی که از کیفر خدای خویش می‌ترسند.*- ۲۸- إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَا مُنُونِ . که از عذاب خداوند
 در آمان نیستند.*- ۲۹- وَالَّذِينَ هُمْ لِغُرُوبِهِمْ حَافِظُونَ . و آنان که فرجهای (ناموس) خود را حفظ می‌کنند
 *- ۳۰- إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ . مگر از زنان یا کنیزان خویش ،
 که ایشان در مورد آنها سرزنش نمی‌شوند.*- ۳۱- فَمَنْ ابْتغىٰ و رَاءَ ذَلِكُ فَآءُ الشِّكِّ هُمْ الْعَادُونَ . پس
 هر کس افزون از آن جوید ، از اندازه گذرند گانند . (ستم کارانند)*- ۳۲- وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ
 رَاعُونَ . و آنان که در امانتها و عهدشان کوشند گانند.*- ۳۳- وَالَّذِينَ هُمْ بِبَيْتِهِمْ دَائِمُونَ . و آنان که
 گواهی خویش را به پادارند گانند.*- ۳۴- وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ . و آنان که بر نماز خویش
 (به هنگام) نگاهدارند گانند.*- ۳۵- أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ . آنان در بهشتها نواختگانند
 *- ۳۶- فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلِكُ مَهْطِعِينَ . پس کافران را چه رسیده که چشمها را برگرداگرد
 تو دوخته اند.*- ۳۷- عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ . از راست و چپ جوك جوك.*- ۳۸- أَيْطَمَعُ
 كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ . آيا می‌پوسد (امید دارد) هر کس از ایشان که به بهشت پرناز در آید؟
 *- ۳۹- كِتَابًا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِمَّا يَعْلَمُونَ . نیست چنین ، ما آنها را از چیزی آفریدیم که می‌دانند (از
 چکۀ آب) .*- ۴۰- فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ . سوگند می‌خورم به خدای
 دوسوی جهان ، آن سوی که روز و شب بر آید و آن سوی که فرو نشیند ، که ما توانا هستیم.*- ۴۱- عَلَىٰ أَنْ نُبَدِّلَ
 خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوفِينَ . توانا هستیم بر اینکه از ایشان بهتری آریم و ما در هیچ کار در نمانیم و
 از کسی باز پس نمانیم.*- ۴۲- فَذَرَهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوْعَدُونَ . پس آنها
 را واگذار (ای پیغمبر) که در نابکار گفتن فروروند و بازی کنند تا روز موعود را ببینند.*- ۴۳- يَوْمَ يَخْرُجُونَ
 مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ . آن روز که از گورها بیرون می‌آیند زودا زودا (و چنان
 بسوی دمنده صورتی دوند و شتاب می‌کنند) که گوئی ایشان به سوی پرچمی همی‌شتابند.*- ۴۴- خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ
 تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَلِكِ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ . در حالیکه چشمهاشان از بیم فرو مانده و فرو شده

و خواری بر آنها نشسته ، این است آن روز که در دنیا به آنها وعده می دادند!

✽ تفسیر ادبی و عرفانی ✽

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . این نام عزیزتر است که کارها بدان تمام و از سوی مولی ما را پیغام است ، خنک زبانی که بدان نام گویا و خنک آن دل که بدان شیدا ، بیاد این نام بنده را امروز خلوت طاعت است و هنگام مرگ رستگاری و سعادت و درگور تلقین و حجت و در قیامت سبکباری و راحت و در بهشت رضا و رؤیت است .

۱- سَأَلْ سَائِلٌ بَعْدَ ابِّ وَقِيعٍ . آیه. آورده اند که چون کافران و مشرکان مکه ، محمد مصطفی را رنج می داشتند و مردان او را ناسزا می گفتند ا دندانش را شکستند ا زنان از بامها خاك بر سرش می ریختند ا کودکان بر پی وی برمی انگیزختند ! بیوده ها و ناصواب می گفتند و مؤمنان را مُعَدِّبِی داشتند . رسول خدا از سر حیرت و حسرت دعا کرد و از خداوند برای کافران عذاب خواست که : لِّلْكَافِرِينَ لَئِيْسَ لَهُ دَافِعٌ . که هم در دنیا و هم در آخرت عذاب بر آنها فروگشاد ، در دنیا روز بدر آنها را کشتند و در آخرت آنان را عذاب کردند .

۵- فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا . آیه. (خطاب رسید) (ای محمد) تو صبر کن و خوش همنی باش و دل تنگ مباش ، و به پیغمبران گذشته اقتدا کن که آنان همه لباس صبر پوشیدند تا به مراد و مقصود خویش رسیدند :
..... صبر بود که یعقوب را به دست راحت و فرج از غم خانه بیرون آورد ، صبر بود که شراب شفا بر مذاق ایوب ریخت و از درد و غم رها شد که اِتِّبَا وَجَدْنَا هُ صَابِرًا ، صبر بود که ندای خدا به گوش اسماعیل رسانید که سَجَدْنِي اِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ صبر است که مؤمنان را از سرای بلوی به بهشت مأوی رسانید که وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ . یعنی شکیبایان را بشارت ده :

بالجمله ، شیر مردی باید بزرگ همت ، که در راه دین هر شربت که تلخ تر باشد او را شیرین تر آید ، و هر راه که دور تر باشد او را نزدیک تر آید ، تا نام او در جریده صابران ثبت کنند و امروز او را منشور محبت نویسند که : اِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ خداوند صابران را دوست دارد .

۶- اِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا ۷- وَ تَرَاهُ قَرِيْبًا . آیه. کافران آمدن رستاخیز را دیر و دور می رانند و آن نزدیکتر از آنست که آنان می پندارند! مصطفی فرمود : از دنیا آنچه مانده نسبت به آنچه گذشته ، مانند جامه ایست که استاد ورزی آنرا بیدرد تا آنگاه که یک رشته بماند! و آن یک رشته در پهلوی آنچه بریده شده هیچ است ، انگار که آن یک رشته هم بریده شد و انگار که مدت دنیا به آخر کشیده شد! جهانیان همه رهی (مسافر) هستند که روی به سفر آخرت آورده و دنیا بر مثال کاروان سراقی است که بر سر راه قیامت نهاده اند ، عمرهای خلق ا درازی و پهنای آن سفر است! سالهای عمر چون منزلها است! و ماهها چون مرحله ها است! شب و روز بر مثال فرسنگ است! آنفوسها همچون گامها است! سفری دور و دراز و گردنه ها تند و دشوار و مسافر غافل و بیکار و بی عار، دنیا چون درختی با سایه و نسیم، آن کس که دل در سایه درخت و جایگاه موقت بندد او مردی است سلیم .

ما همچو مسافریم در زیر درخت چون سایه برفت زود بردارد رخت

مصطفی فرمود: مثل ما با دنیا همچون مثل مردی است که در تابستان گرم از بیابانی نافته برآید، درختی بیند با نسیمی خوش و سایه‌ای دل‌کش، زمانی بانسیم و سایه آن درخت بیاساید و چون برآسود پای در رکاب مرکب نهد و زود از آنجا کوچ نماید و آن درخت و سایه آنرا بگذارد و دل در آن نبندد که ره دوراست و منزل بس دراز!

ای مسکین، کسی که مرکب او شب و روز باشد، منزل‌ها و مرحله‌های او سال و ماه بود، او را همیشه می‌برند اگر چه نمی‌رود! در آن حال که در خانه نشسته یا بر بستر گرم خفته، می‌پندارد که ساکن و آرام است! و این خطا است، که شب و روز او را در جنبش و حرکت دارند! و بی‌خواست او او را می‌رانند و بی‌اراده و بی‌تدبیر او او را می‌برند! و بی‌تاختن او او را می‌تازانند! و بگفته او:

من می‌نروم که می‌برندم ناکام با چشم پر آب و یار نادیده تمام

سوره - ۷۱ - نوح - ۲۸ - آیه - مکی - جزو ۲۹

تفسیر لفظی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بسم خداوند جهاندار بخشنده مهربان.

۱- إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ . ما نوح به کسانش فرستادیم (وگفتیم) که آنها را آگاه کن و بترسان پیش از آنکه عذابی دردناک به آنها بیاید .
۲- قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ . نوح گفت: ای قوم، من شما را آگاه کننده و ترساننده از عذابی آشکار هستم .

۳- أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا . (وی گویم) که خدای یگانه را پرستید و مرا فرمان برید .
۴- يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنْ أَجَلَ اللَّهُ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ . تا بیماریزد گناهان شما را و شما را با مدت‌های بادرنگ افکند (و شما را از عذاب این جهانی آزاد کند، که آن هنگام که وقت نام زد کرده خداوند آید آن را پس نیفکنند، اگر بدانید و دانا شوید .
۵- قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا . نوح گفت: پروردگارا، من شب و روز کسان خود را (شما در خانه و روزها در انجمنها) بازخواندم .

۶- فَلَمَّ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا . و خواندن من آنان را جز فرار و گریختن نپرزود!
۷- وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا . من هر گاه ایشانرا دعوت کردم تا آنها را بیامرزی، انگشت‌هایشانرا در گوش کردند و جامه‌ها بر سر کشیدند (تا مرا نبینند) و بر کفر خویش اصرار داشتند (بسته‌پند) و گردن کشی کردند گردن کشیدنی بزرگ (نهمار) - * - ۸- ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا . پس من آنها را آشکارا بازخواندم .
۹- ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا . پس از آن خواندن را به آنها علنی کردم و

گاهی پنهان کردم پنهان کردنی!

۱۰- فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا. گفتیم از خدا آمرزش خواهید که او آمرزشکار است.

۱۱- يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا. باران از آسمان به هنگام بر شما فرو می بارد.

۱۲- وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَأَنْسِلَ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا. و شما را به مالها و فرزندان مدد و یاری کند و شما را درختها و بهشتها سازد و جویهای روان ساز کند.

۱۳- مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ اللَّهَ وَقَارًا. شما را چه میشود که از عظمت خداوند ترس ندارید؟

۱۴- وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا. در حالیکه شما را رنگارنگت و چند زبان و چند وظیفه آفریده است!

۱۵- أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا. آیا نمی بینید و نمی دانید خداوند چگونه

هفت آسمان را روی هم آفریده؟

۱۶- وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا. و ماه را روشنائی آسمانها قرار داده

و خورشید را چراغ آسمانها ساخته؟

۱۷- وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا. و شما را رُستنی از خاک زمین رویانید!

۱۸- ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا. آنگاه شما را به زمین برمی گرداند و باز بیرون می آورد!

۱۹- وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بَسَاطًا. و خداوند، زمین را گسترش گاه شما ساخت!

۲۰- لِيَسْأَلُكُمُوهَا مِنْهَا سُبُلًا فِجَالًا. تا در زمین راههای فراخ و پیدا بروید.

۲۱- قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالَهُ وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا.

نوح گفت: پروردگارا، آنان مرا نافرمانی کردند و پی کسی رفتند که مال و فرزند آنها را جز زیان نیفزاید.

۲۲- وَكَفَرُوا كُفْرًا كَبِيرًا. و مکرها کردند و سازها ساختند سخت بزرگ.

۲۳- وَقَالُوا لَا تَدْرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا تَدْرُنَّ وِدًّا وَلَا سُوعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا.

و به یکدیگر گفتند پرستش خدایان خود را مگذارید و پرستش این پنج خدا را نیز مگذارید! (۱)

۲۴- وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَالًّا. و خلق بسیار را گمراه کردند و (خداوند)!

میفرزای ستم کاران را مگر گمراهی!

۲۵- مِمَّا خَطَبْتَهُمْ أَغْرَقُوا فَأَنْدَخِلُوا أَنْفُسَهُمْ فِي الْوَادِي الْمَكِينِ فَنَسُوا اللَّهَ فَنَسُوا اللَّهَ أَنْصَارًا.

از خطاها و بدیهای آنها بود که در آب غرق شدند و به دوزخ درآمدند، پس از آن جز خدای یگانه دآوری و

یاوری نیافتند.

۲۶- وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا. نوح گفت: پروردگارا،

بر روی زمین از کافران یک نفر جهانگرد را مگذار:

۱- این پنج بت نام معبود قوم نوح بود که بعد از آن عربها هم گرفتند بدین گونه: "ود" خدای قبیله کلب، سواع

خدای قبیله همدان، یغوث خدای قبیله طی، یعوق خدای قبیله کنانه، نسر خدای قبیله حمیر که اینها به صورت زن و یا

شیریا اسب یاسرغ بودند و عربها بعلاوه بتهای دیگر بنام: لات، عزی، و بنات می پرستیدند که به ترتیب: مخصوص

قبیله ثقیف و سلیم و غطفان بود! و هبل که مخصوص مردم مکه بود که همه آنها را به دیوار خانه خدا آویخته بودند.

۲۷- إِنَّكَ إِذَا تُدْعَرُهُمْ يُضِلُّوْا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوْا إِلَّا فَاَجِرًا كَفَّارًا . خدایا اگر آنها را زنده گذاری ، بندگان تو را گمراه کنند و جز فاجر و کافر (ناسپاس) نزنند !

۲۸- رَبِّ اغْضِرْ لِيْ وَلِيًّا لِيَدِيْ وَلِيْمَنْ دَخَلَ بَيْتِيْ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِيْنَ إِلَّا تَبَارًا . خداوند ا ، مرا و پدر و مادرم را پیامرز و هر کسی که در خانه در آید و مؤمن باشد و مردان و زنان با ایمان را پیامرز ، و ستم کاران را جز تباهی و نیستی میفزاید !

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ - بنام او که رستگاری بندگان در رضای او ، دل مشتاقان بسته بند وفای او ، سعادت سعیدان به فیض فضل او ، شقاوت شقیان از اثر عدل او ، بقای عالمیان به مشیت او ، فنای آدمیان به اراده او ، هفت آسمان ، ایوان درگاه او ، بسیط زمین گسترده خاصگان او ، خورشید جهان آرا به حکمت او ، هیکل ماه گهی سیمین و گاه زرین به قدرت او ، هر کجا عزیزی است آراسته خلعت کرم او ، و هر کجا ذلیلی است خسته تیر قهر او است !

پیر طریقت در مناجات گفت : خدایا ، در خدائی یکتائی ، در یگانگی بی همتائی ، در ذات و صفات از خلق جدائی ، متصف به بهائی ، متحد به کبریائی ، مایه هر بی نوا و پناه هر گدائی ، همه را خدائی ، نادوست گرائی .

در چشم منی ، روی به من نمائی
و اندر دلمی هیچ به من نگرائی
ای جان و دل و دیده و آی بینائی
چون از دل و دیده در کنارم نائی

۱- إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ آيَةً . چون خداوند به علم قدیم دانسته بود و تقدیر کرده بود که کارها و حالهای آدمی بعضی باعث سعادت و برخی موجب شقاوت است و بعضی زیان جان ، و برخی خسران ایمان ! و نیز می دانست که آدمی به خیر در خویش راه به مصلحت دنیای خویش نبرد و اسباب خوش بختی از بد بختی باز نداند و نشناسد !^(۱) به حکم فضل و کرم خویش پیمبرانی را که در ازل به سعادت آنها حکم کرده بود برگزید و ایشانرا از این راز آگاه کرد ، و ایشانرا پیغام داد و به خلق فرستاد ، تا راه بیم و امید به آنها بنمایند و زهر و پاد زهر را از هم جدا کنند و سود و زیان ایمان را بیان نمایند ، گروهی که ایمان آورند به فضل خداوند بشارت دهند ، و گروهی که از ایمان سر باز زنند به عذاب دردناک بترسانند ، و آنان را به صفت بشارت دهندگان و بیم دهندگان توصیف فرمود ، تا هیچکس را حجیت و بهانه نماند !

خداوند اگر خواستی ، همه مردم را بی رسول و بی واسطه ایمان دادی ، لیکن خواست که گروهی از بندگان مخلص خود را به رسالت و نبوت گرامی دارد ، و هر یکی را به نوعی کرامت مخصوص گرداند ، آدم را صفت دهد ، نوح را کرامت بخشد ، ابراهیم را دوست خواند ، موسی را هم سخن گوید ، عیسی را رفعت دهد و محمد مصطفی را محبت و تقرب دهد . و به این مزیتها عزت آنها را خواست نه نظام ملک خویش ! که عزت و جلال او از کسان بی نیاز است و حضرتش را از نبود (پس بود) پیوندی در نیاید و دوام ملک او را آسمانیان و زمینیان می در نیاید که : کبریای او عزت او را بس ! و جلال او جمال او را بس است !

۱- از این سخن به درستی دانسته میشود که کار و حال آدمی که باعث سعادت یا شقاوت او میشود از خود او و به اراده او و خواست خود او است که در ازل مقدر و ثبت شده !

... أَنْ أَنْذِرَ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَبَإْتِيَهِمْ عَذَابُ الْيَمِّ . آیه . نوح قوم خود را به دستور خداوند وعده عذاب داد ، آنان گفتند آن عذاب را بیاور ، خداوند وعده او را راست کرد و همه را غرق نمود . مصطفی ، امت خود را وعده آمرزش داد و خداوند آن وعده را راست کرد و آنانرا بخشید انوح چون از قوم خود رنجید ، به درگاه خداوند آنها را سعایت کرد و فناء آنها را خواست . ولی مصطفی چون از قوم خود رنجید ، از درگاه خدائی هدایت آنها را خواست . قوم نوح به سعایت او در این جهان همگی هلاک شدند و امت محمد در آن جهان به آمرزش رسیدند .

۱۳. مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا . آیه . خداوند ، قوم نوح را گفت : شما را چه رسیده که شکر نعمت خداوند را نمی گزارید و حق پرورش ما نمی دارید و خودی دانید ، که شما را از چه آفریدم ؟ در آغاز نطفه ای از صلب ضعیفی به رحیم ضعیفی آوردم ، اندر آن حصن حصین و قرار مکین بجا دادم ، بنگر که به قلم قدرت چون نگاشتم ! و آن قطره آب را خون گردانیدم ! و خون را گوشت ، آنگاه از میان آن استخوان در آوردم ! و به هم پیوند دادم ! و چون قالب مصور تمام گشت ، جان لطیف را فرمان دادم تا به تن در آمد ! چنانکه پادشاهی به کاخی در آید ! و هر عضوی را خلعتی دادم چنانکه به چشم بینائی ، به گوش شنوائی ، به زبان گویائی ، به دست گرفتنی ، به پای رفتنی دادم . ای بنده تورا نیکو بیاراستم ، قد تو پیراستم ، از همه بهتر تورا آفریدم و از همه زیباتر نگاشتم !

چون قامت تو سرور نکارند به کاشمر

چون صورت تو بت ننگارند به کشور

از شرم فرو ریزد نقش بت آذر !

چون نقش تو ، پیش بت آذر ننگرند

کردگار حکیم و خداوند کریم که تورا جمال صورت افزود و بدایع قدرت در فطرت تو بنمود و دولت به توخید بیاراست و زنگار انکار از او بزودد ! چه گوئی ، آیا از حکمت او و رحمت او سزد که آراسته و پیراسته خود را بسوزد ؟ نه هرگز ! چون در این حال تأمل کنی و در کار آفریدگار تدبیر نمائی ، به زبان شکر بگویی :

بر خدمت خود به فضل بگماشت مرا

از قطره آب نطفه بنگاشت مرا

شکر ایزد را که بس نکو داشت مرا

از جمله خلق سر برافراشت مرا

نوح چون آن همه نعمت و کرامت حق به یاد ایشان داد و از آنها شکر نشنید و جز بر کفر و تکذیب ایشان نیفزودا روی از آنان بگردانید و گفت : خدایا ، مرا و دوزاینده مرا بیمارز و هر کس که به ایمان من در آمد در عهد من و هم چنین مؤمنان و مرد وزن از امت محمد که به آخر عهد در وجود آیند و بهینه همه امتها و پسندیده تو هستند ، خداوندا ، همه آنانرا نیز بیمارز .

سوره ۷۲ - جن - ۲۸ - آیه - مدنی - جزو ۲۹

تفسیر لفظی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان .

۱- قُلْ أَوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفْسٌ مِّنَ الْجِنَّةِ فَمَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا .
بگو (ای پیغمبر) مرا به وسیله وحی آگاهی دادند که گروهی از پریان قرآن را شنیدند (نیوشیدند) پس گفتند : ما قرآن شگفت آوری شنیدیم !

۲- يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا . (این است) قرآنیکه راه راست می نماید ، پس ما به آن گرویدیم و هرگز بر پروردگار خود کسی را انباز نگیریم .

۳- وَأَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا . و اینکه خدای ما پاکتر و بزرگوارتر است از اینکه همسریا فرزند گیرد .

۴- وَأَنَّهُ كَانَ يَتَقَوْلُ سَفِيهِنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا . و اینکه آن سفیهی خورد ما بر خداوند دروغ می گفت .

۵- وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّنْ نَقُولَ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا . و اینکه ما چنان پنداشتیم

که آدمی و پری هرگز بر خداوند دروغ نگوید !

۶- وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنْسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا . و اینکه

مردمانی از اینس به مردانی از پریان پناه می بردند (از آسیب بدان آنها) پس پریان را فریب و غلط کاری افزودند !

۷- وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَن لَّنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا . و پریان چنین پنداشتند چنان که شما

پنداشتید که هرگز خداوند کسی را مبعوث نخواهد کرد و پیغام نخواهد فرستاد !

۸- وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مَلِيًّا حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا . و اینکه ما در آسمان

جستجو کردیم پس آنرا پر از گوشوانان و نگاهبانان پرزور و شاخه های آتش (تیرشهاب) یافتیم .

۹- وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهُبًا رَّصَدًا

و اینکه ما به روزگاران پیشین نشستن گاهها در آسمانها برای شنیدن داشتیم ، لیکن امروز هر کس نبوشد (گوش دهد) شاخه های آتشین و گوشوان ببندد و یابد (که آنها نگاهبان هستند) .

۱۰- وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا . و اینکه ما نمی دانیم

که آیا به اهل زمین بدی خواسته اند ، یا پروردگارشان نیکی و رشد آنها را خواسته است ؟ (۱)

۱۱- وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ كُنَّا طَرَائِقَ قِدْدًا . و اینکه از ما گروهی

نیکان و شایستگانند و از ما جز اینان بودند ، و ما دسته دسته (جوك جوك) در کیش و در کردار از هم جدا بودیم .

۱۲- وَأَنَّا ظَنَنَّا أَن لَّنْ نَعْمَ بِرَبِّهِ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نَعْمَ بِرَبِّهِ هَرَبًا . و اینکه ما پنداشتیم که

هرگز از خداوند در زمین پیش نشینیم و او را عاجز نسازیم و هرگز نتوانیم که از او بگریزیم !

۱۳- وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا النَّهْدَىٰ آمَنَّا بِهِ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا .

و اینکه ما چون پیغام راست شنیدیم ایمان آوردیم و هر کس که به پروردگارش ایمان آورد ، هرگز از کاستن خیرد و گرفتار شدن بگناه و ناتوانی به کار نترسد !

۱۴- وَأَنَّا مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا . و اینکه

۱- گروهی از پریان یمن که یهودی بودند در آسمانها گوش به شنیدنی ها می دادند و بر آنها بی افزودند و دروغ

می ساختند تا آنکه ناگهان دوچار تیرشهاب شده و از آسمانها بزمین آمدند و از ابلیس سر کرده خود علت را جویا شدند

و به دستور او همه جا را جستجو کردند تا به زمین تمهاه رسیدند و در بازار عکاظ پیغمبر را دیدند که با پیروان خود نماز

بامداد می گزارد و قرآن را آنجا شنیدند و دانستند که آن پیغام و سخن خداوندی مانع اشتراق سمع آنها شده است .

از ما مسلمانان، و از ما کژراهان و برخویشن ستم کاران هستند، پس هر کس مسلمان شود آنان بهینه راه گزینند.

۱۵- وَآمَّا الْقَنَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا. واما ستم کاران همگی هیزم دوزخند.

۱۶- وَآنَ لَوِاسْتَقَامُوا عَلَي الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا. و اگر آنان در راه کفر پایداری

کنند، ما آنها را آب دولت و نعمت روان کنیم و زندگانی فراخ و خوش به ایشان دهیم! (برای آزمایش)

۱۷- لِيَنفَعَنَّهُمْ فِيهِ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْنَهُ عَذَابًا صَعَدًا. (ما آن خوشبهارا

دادیم) تا آنان را بیازماییم و هر که از یاد خداوند خویش و پرستش او روی گرداند خداوند او را در عذاب سخت افکند.

۱۸- وَآنَ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا. و اینکه سجده گاهها، خاص خداوند است

پس جز او کسی را بخوانید و پرستش مکنید.

۱۹- وَآتَهُ لَمَّا قَامَ عَبَدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا. و اینکه چون بنده خدا

به پا خاست که خدا را پرستش کند، بریان نزدیک بودند از حرص شنیدن قرآن روی هم افتند!

۲۰- قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا. بگو (ای پیغمبر) من خدای خویش را می خوانم

و کسی را با او انباز نگیرم.

۲۱- قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا. بگو به دست من نیست نه پادشاهم و نتوانم شما را

گزند و رسامم و نه کاری راست و در خور و به چم توانم!

۲۲- قُلْ إِنِّي لَنْ أَبْجِرَنِّي مِنَ اللَّهِ أَحَدًا وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا. (ای محمد) بگو

هیچ کس مرا از (عذاب) خدای نگاه ندارد، و هرگز من بازگشتن گاهی و زینهار جانی جز خدا نیام.

۲۳- إِلَّا بِلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نُورًا جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا. مگر رساندن از خدا و آوردن پیغام او، و هر کس خدا را نافرمانی کند، او راست آتش دوزخ جاویدان!

۲۴- حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ أَضَعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا. تا آنکه

آنچه را بر آنها وعده دادند ببینند آری، پس آگاه شوند که سست یارتر و اندک سپاه تر کیست؟

۲۵- قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوَعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا. بگو، من ندانم که آیا آنچه

شما وعده داده اند نزدیک است، یا آنکه خداوند آنرا درنگی و هنگامی نهاده است؟

۲۶- عَلِيمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا. خداوند دانای نهان است و کسی را بر غیب

خود آگاه نسازد.

۲۷- إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا. مگر آن رسول پسندیده که خداوند از جلو و از دنبال او فرشتگان را فوج فوج می فرستد (با نور و با تقدیس تا

سخن خدا را گوش دهند و از آن نگاهند و بر آن نیز آیند).

۲۸- لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا. تا (محمد) بداند که آنان پیغام خدا را رسانیدند و خداوند خود دانا است بر آنچه نزد آنها است و همه چیزها را

شماره می کند و چند و چون آنرا پیش از آن چیزی می داند.

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . نام خداوندی که عالمان در وصف جلالش حیران ، عارفان در شهود جمالش گدازان و واجدان در وجود افضالش نازان ، دوستان در شوق وصالش سوزان ، طالبان در بادیه نیازش خروشان ، محجوران در زاویه فراقش نالان ، هر عزیزی نام و نشانش را بجویان ، هر طالبی حمد و ثنایش را گویان ، هر ذاکری نسیم وصلش را بویان ، و هر سائلی بر امید فضلش بویان :

بویان و دوانند خلایق ، به جهان در درصومه و مسجد و در غار و بیابان

یکسر همه محووند به دریای تفکر برخوانده به خود ، بر همه : لاخلان و لامان

۱- قُلْ أُوْحِيَّ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ : آیه . مهتر عالم و سید فرزندان آدم ، سرور اشراف و مرکز عدل و انصاف ، فرستاده به اهل زمین قاف تا قاف ، روزی به منبر شرف برآمد و بر سیل خطبه به اصحاب خطاب کرد که : ای جمع شدگان در مسجد ، ای شنوندگان مجلس ، بدانید و آگاه باشید که ما را رقم بهتری و مهتری کشیدند و سیادت رسولان به نام ما کردند ، و ما را از حضرت عزت به پیغام بری کل عالم فرستادند ، هم به جهان انس و انسیان و هم به عالم جن و جنیان همه را در حکم ما کردند و همه را شرع ما فرمودند . چون گروهی از جنیان در بطن لخله در تهامه به حضرت رسیدند ، بیک دگر سفارش می کردند که گوش دهید ، گوش دهید ! خاموش باشید ، به ادب باشید حرمت حضرتش بجا آرید ، حق او را بشناسید ، قدر او را بدانید ، این آن مهتر است که خاک قدم او توتیای مقربان آسمانها است ، آن جنیان رسالت او را پذیرفتند و قرآن نامه خداوند را از جان و دل شنیدند و به قبیله های خود باز گشتند و به زبان افتخار گفتند :

... إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا . ما قرآنی شنیدیم که از فصاحت و بلاغت آن در شگفت ماندیم ، قرآنی که روح توانائی و دانائی است ، چراغ روشنائی و آشنائی است . شاه راه سلامت ، معراج کرامت ، راحت هر جراحت ، خنک آن کس که قرآن رهبر او است و توفیق رفیق راه او ، کسی که قرآن انیس او است ، یقین دان که خداوند بجلیس او است .

موسی کلیم هنگام مناجات سؤال کرد : خداوندا ، میدان مواصلت کجا است ؟ خلوت گاه مناجات کجا است ؟ کجات یابم ؟ به کجات جویم ؟ فرمان آمد : ای موسی ، در خلوت با یاد کنان خود نشینم و بر بساط انبساط دوستان را نوازم ، من انس جان کسی هستم که با نام منس انس است ، من یادگار دل کسی هستم که یادگارش سخن من است ، من دوست اویم که او دوست من است .

۳- وَ أَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا . آیه . جلال و عظمت او ، کبریا و عزت او از همها و فهمها بیرون

است و کس نداند که چون است ؟ سزای ثنای خود ، خود داند و قدر عظمت خویش ، خویش شناسد عرش عظیم در عظمت قدرتش ذره ای است ، و وجود همه عالم از دریای وجود او قطره ای است ، از دور آدم تا انتهای خاتم همه فهمها و همها در دریای صفات او غوص همی کنند ، تا بر نشانی از نشانهای او آگاه شوند و هر لحظه ای ایشانرا حیرت در حیرت بیفزاید و همگی به زبان حال گویند :

وصافِ تورا وصف چه داند کردن ؟ تو خود به صفات خود چنانی که تویی

سوره - ۷۳ - مزمل - ۲۰ - آیه - مکی - جزو ۲۹

تفسیر لفظی

- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند فراخ بخشایش مهربان .
- ۱- يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ ، ای جامه در خود پیچیده .
- ۲- قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا . (ای محمد) شب خیز برای نماز مگر اندکی (از شب) .
- ۳- نِصْفَهُ أَوْ انْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا . نیمی از شب یا چیزی اندک از آن بکاه .
- ۴- أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا . یا چیزی برنیم بیفزای و قرآن را گشاده حروف (آرام) بخوان .
- ۵- إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا . ما بر تو سخنی گران مایه می افکنیم ، (که نگاهداشتن و بکار بردن آن بر بندگان گران است) .
- ۶- إِنْ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا . ساعتی شب و برخاستن به شب ، سازنده تر و زبان و دل را استوارتر و موافق تر و راست تر اندیشیدن و درست تر خواندن است .
- ۷- إِنْ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا . تو را در روز ، خواب و کار و پرداختن به شغل فرصت دراز است (و شب را ویژه نماز ساز) .
- ۸- وَاذْكُرْ اِمْرَأَتَ رَبِّكَ الَّتِي أَبْطَلْتَ بِهَا نَفْسًا وَوَدَّعْتَهَا وَهْدًا . خدای خویش یاد کن و بازگسلی از کارها بازگسستی بسوی او (یگانه باش و یاد او را یگانه دار) .
- ۹- رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا . پروردگار دنیما و جهان شرق و غرب ، نیست خدای جز او ، پس او را میانجی و کارساز بسنده برای کارهای خود گیر .
- ۱۰- وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَنْقُضُونَ وَأَهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا . بر آنچه دشمنان می گویند شکیبای باش و از ایشان کناره کن (فرابر) کناره ای نیکو بی مدهائنه بی نیاز به آنها .
- ۱۱- وَذُرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا ، دروغ زنان را به من واگذار همان دارندگان مال و جاه ، و ایشانرا اندکی از روزگار فراگذار و کمی مهلت ده .
- ۱۲- إِنْ لَدَيْنَا أَنْكَالٌ وَجَحِيمًا . زیرا نزد ما در غیب ایشانرا بندها و آتشی بزرگ است .
- ۱۳- وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا . و خورشی گلوگیر و غذایی دردناک آنان راست .
- ۱۴- يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَهِيلاً . آن روز که زمین بلرزد و کوهها از جای بجنبند و کوهها همه ریگ روان شوند .
- ۱۵- إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا ، ما به شما رسولی فرستادیم تا بر شما گواه باشد ، چنانکه به فرعون هم رسولی فرستادیم .
- ۱۶- فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَا نَارًا أَخَذَ آبُوبَيْلًا . پس فرعون نافرمانی رسول کرد ، پس ما او را فرا گرفتیم فراگرفتنی سخت گران .
- ۱۷- فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا . پس چگونه پرهیزید؟ (اگر

کافر شوید) پرهیز کاری آن روزی را که نوزادان از مادر آن بپراکنند؟

۱۸- السَّمَاءُ مَنفَطِرٌ بِهِ كَمَا وَعَدَهُ مَفْعُولًا. آسمان در آن روز شکافتنی است و وعده خداوند

(در روز رستاخیز) بودنی و عمل کردنی است.

۱۹- إِنَّ هَلْدَهُ تَدَكِيرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا. این پیغام و سخن پندی است (سودمند)،

پس هر که خواهد آنرا راه بسوی خدا گیرد.

۲۰- إِنْ رَبِّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ نُكَيْتِ اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَطَائِفَةٌ مِّنَ

الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِيمٌ أَنْ لَنْ تُحْصِيَهُ فِتْنَابَ عَلَيْكُمْ. خداوند می‌داند که

تو (ای پیغمبر) کمتر از دوپهر شب به نماز می‌ایستی و کمی از نیم شب و کمی از سه یک شب، و گروهی از آنان که

باتوانند (چنین کنند) و خداوند شب و روز را اندازه می‌دارد و میداند، که شما همه عمر را این اندازه نماز شب

نتوانید و تاب ندارید، باین سبب از شما فرو نهاد و عذر عجز شما را پذیرفت. فَأَقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ

عَلَيْكُمْ أَنْ سَيَكُونُ مِنكُمْ مَّرْضَىٰ وَآخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَآخِرُونَ

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَأَقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاقْرَأُوا اللَّهَ قَرْضًا

حَسَنًا وَمَا تَقَدَّمُوا لَأَنفُسِكُمْ مِن خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَأَسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ. پس هر قدر بر شما آسان است قرآن بخوانید (و نماز شب گزارید) خداوند می‌داند که از

شما بهاران هستند که به شب نتوانند برخاست و دیگرانند که در زمین سفر می‌کنند و از فضل خداوند روزی

می‌جویند و دیگرانند که در راه خدا بادشمنان کشتار می‌کنند، پس شما هر قدر میسر و ممکن باشد قرآن بخوانید

(و نماز شب گزارید) و نماز پنج‌گانه را بپای دارید و زکات دهید، و نزد خدا وام نیکو کنید و آنچه پیش فرستید

از نیکیه‌ها، نزد خدا آنرا خواهید دریافت، که آن نیکیه‌ها همان کار بهتر و پاداش آن بزرگتر است و از خدا آمرزش

بخواهید که آمرزگار (عیب‌پوش) بخشاینده است.

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ کلمه ایست که شنیدنش باعث زهت دل‌های فقیران و بهجت

رازهای ضعیفان، و راحت روح و لیان، و قوت قلب پیمبران، و تسلی سینه ضعیفان، و روشن دیده مبتلابان است.

نام خداوندی است که اشباح طالبان سوخته جلال او، ارواح قاصدان فروخته جمال او، انفاس

عزیزان بسته نوال او، حواس مقربان سرگشته اقبال او، اسرار عارفان تشنه وصال او، آبصار محبتان خسته

دلال او است، چه بسا روی‌ها که بر آن گرد نایافت او است، و چه بسا دل‌ها که در آن درد ناخواست او است!

بسیار خلاقند جوای رهِت کشته شده عالمی، ز هول سهبت

نابرمه چهارده نهادی کلّهت بینم کلّه ملوک در خاک رهِت!

۱- یا آیهَا الْمَزْمَلُ. آیه: ای پیغمبر مطهر، ای سید آطهر، ای رسول اکبر ای مقتدای بشر،

ای برج جلال را ماه انور، ای درج رسالت را در آظهر، ای بر سر سیادت افسر، ای بر افسر سعادت گوهر،

ای عنوان نامه جلال نام تو، ای تراز جامه رسالت احکام تو، سرمایه دین کلام تو، پیرایه شرع احکام تو،

ای ناشر رایات رسالت ، ای مؤید ارکان هدایت، ای کاشف اسرار ولایت، ای واضح منهاج شریعت ، ای رافع معراج حقیقت :

۲- قُمْ اللَّيْلَ . آیه. برخی نماز شب کن، لختی از شب بیدار باش و آسایش نفس را خواب کن، ای سید، اگر همه شب در خواب باشی امت تو ضایع مانند ، اگر همه شب بیدار باشی رنجه شوی ا و من رنج تو نخواهم . چون بیدار باشی بسبب بیداری تو ، برخی گناهکاران امت تو را بیمارزم و چون خواب کنی ، به حرمت خواب تو باقی گناهکاران را بیمارزم . (ای محمد) تو خلعت قربت ما را که یافتی در شب یافتی ، هم در شب خدمت ما بجای آر ، تا چنانکه خلعت در شب یافته باشی ، شکر خلعت هم به خدمت در شب گزارده باشی .

ای جوان مرد ، هیچ کرامت چنان نبود که در شب تاری از بستر گرم برخیزی و بدرگاه باری بانصرح و زاری در مناجات شوی و به زبان نیاز در حضرت راز گوئی : الاهی ، بارم ده تا قصه درد خود به تو بردارم ، بدرگاه تو میزارم و در امید و بیم می‌نازم ، خدایا واپذیرم تا با تو پردازم ، یک نظر در من نگر ، تا دو گیتی به آب اندازم ، عزیز من در شب بیدار و هشیار باش که شب بوستان دوستان است و بهار غار فغان ، شب مرغزار حُجبان است و نور صادقان ، شب سرور مشتاقان است و راحت روح مطیعان .

۴- وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً . آیه . (ای محمد) ، به شب قرآن را به ترتیب و ترتیل بخوان و در نماز شب قرائت قرآن بلند بخوان ، که دوستان ما بالحن انس ولدت سماع کلام ما ، جانهای خویش می‌پرورند . (ای محمد) ، با دوستان بگویی ، چون خواهی با ما راز کنی ، روبره قبله شرع آرید و قدم در حضرت نماز گذارید ، نماز با خلد راز گفتن است ، نماز سبب نجات است ، نماز مناجات با دوست است و نهایت سجدت و بدایت مشاهدت است ، نماز خویشان را از دست نفس ربودن و جهد بندگی نمودن و دوست را ستودن است ، به نماز دوست از دشمن پیدا گردد و آشنا از بیگانه جدا شود .

لطیفه : مثل مؤمن که نماز کند چون درخت گُل است و معرفت در او چون بوی و نماز بر او چون گُل ، هر کس می‌تواند گُل از درخت باز کند و برگش بر کند اما نتواند بویش کم کند و نسیمش ببرد ، هم چنین شیطان تواند که در نماز به ظاهر وسوسه کند تا چیزی از آن برآید ، اما نتواند که معرفت از باطن ببرد .

۸- وَأَذْكُرْ اسمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلاً . آیه . تَبَتَّلْ (از همه چیز بریدن) مقامی از مقامات روندگان است که در مکاشفات خویش بدان مقام رسیدند ، که بهشت با همه نهرها و جویها و آبها و درختها در جمال خیال آنان نیاید و دوزخ با آن همه غلها و زنجیرها از نهب سوز سینه‌های آنان بلرزد ! و افعی حرص دنیا ، هرگز دلدانی به روزگار خوش آنان نتواند نهاد ا و بخاری از بیشه حسد و کبر دامن آنان را نگیرد ، و گردی از بیابان نفس امّاره برگوشه ردای آنان ننشیند ا و دودی از هاویه هوا به دیده ایشان نرسد ، و به چشم عبرت به مردم نگرند و به زبان شَقَمَت سخن گویند و به دل الفت رحمت گیرند ، پادشاه صفتند و گدا صورت ، پادشاهانند در لباس گدایان ، روندگان رهند و مسافت نه در میان ، پرندگان هوا بند نه با پروبال ، ستانند زنده از شراب عشق ، زندگانند به حیات قرب ا

قومی که زهرچه دون ما ، پاك زدند آتش ز غمان دل ، در افلاك زدند

از هرچه برون ما است ، چون دور شدند بر عرش رسیده خیمه برخاک زدند !

۹- رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا . آیه . چون میدانی که خدای

جهان و جهانیان او است ، دارنده بندگان و پرورنده آنان او است ، کاردان و نگهبان او است ، او را وکیل و کاردان خود ساز و بدان که او بسنده تر از همه کارسازان است ، از تکاپوی خود و شغل خود یکسره بیرون آی و خود را یکسره به او سپار ، زوی از همه بگردان و تکیه بر تقدیر او کن و دل از خلق بردار و به تدبیر او بگذار ، تا راه طلب بر تو روشن شود و سعی و کوشش تو عبث نگردد او خداوند یگانه است و بنده باید خواسته خود را تنها از او خواهد که گفته اند :

مرد یگانه را سر عشق میانه نیست عشق میانه در خور مرد یگانه نیست

یا عشق ، یا ملامت ، یا راه عافیت جز جان مرد ، تیر باران نشانه نیست

۱۰- وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَتَقُولُونَ . آیه . چند جای قرآن زهر مردمان را به صبر و شکیبائی فرمان داد ، زیرا

که تریاق بلا صبر است و نشان اهل محبت و ولای صبر است ، صبر در محنت بس کاری نیست که آن خود خلق را عادت است امر مردانه آنست که در نعمت صبر کند و قدم بر جاده بندگی نگه دارد ، و از رقم خویش در نعمت پای بیرون نهد ، نمرود و قارون و فرعون و هامان و مانند ایشان که در دریای هلاک غرق شدند ، همه نتیجه بی صبری بود که آدمی در نعمت ، کفور و عنود است و قدمش در نعمت بر جای نماند و از حد خویش درگذرد ، لاجرم در دنیا سرانجام کارشان هلاکت و در عقبی آتش دوزخ باشد که : **إِنَّ لَدُنْيَا أَكَالًا وَجَحِيمًا وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا .** (تفسیر آن گذشت)

سورة - ۷۴ - المُنذِر - ۵۶ - آیه - مکی - جزو ۲۹ *

تفسیر لفظی *

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . بنام خداوند جهان دار دشمن پرور بخشاینده و دست بخشای به مهربانی .

۱- يَا أَيُّهَا الْمُنذِرُ . ای جامه در خود کشیده - * ۲- قُمْ فَأَنْذِرْ . برخیز و مردم را بیاگاهان .

* ۳- وَرَبِّكَ فَكَبِيرٌ . و خدای خویش را بزرگدان و بزرگ شناس از هر چیز بزرگتر - * ۴- وَثِيَابُكَ فَطَهِّرْ . و جامه خویش را پاکدار ، و نام خویش نیکو دار و خوی خود راست دار و کار خویش پسندیده ساز .

* ۵- وَالرُّجُزَ فَأَهْجِرْ . و از بدنامی (و بت پرستی) دوری جوی ، و از آلودگی بپرهیز - * ۶- وَلَا تَمَنَّ عَلَى الْكُفَّارِ . و چیزی مده که تو را بیش از آن و به از آن دهند - * ۷- وَ لِرَبِّكَ فَاصْبِرْ . و از بهر خدای خویش شکیبائی کن - * ۸- فَإِذَا تَقَرَّرَ فِي السَّمَاءِ . پس آنگاه که در صور دمنده - * ۹- فَذَلِكِ يَوْمَ مَشِدِ يَوْمَ عَسِيرٍ . آن روز روز دشواری است - * ۱۰- عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ . بر کافران نه آسان است - * ۱۱- ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا . مرا بگذار با آن کس که او را آفریده ام - * ۱۲- وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا .

و او را کار ساخته ام بسیار دادم - * ۱۳- وَبَنِينَ شُهُودًا . و پسران حاضر پیش او دادم - * ۱۴- وَمَهَدْتُ لَهُ تَمَهُيدًا .

و او را کار ساختم کار ساختنی - * ۱۵- ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ . پس از آن امید دارد که بفرزیم - * ۱۶- كَاتِلًا

اینه کسان لا یاتیناعنیدنا. نه، هرگز، نیز انیم که او با سخنان و پیغامهای ما عناد و دشمنی داشت. *۱۷- سَأَرْهِقُهُ صَعُودًا. (۱) آری، به زودی عذابی سخت فراسر او نشانم. *۱۸- إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ. او در اندیشید و پیش خود اندازه گیری کرد (که چه کند). *۱۹- فَفَقِيلَ كَيْفَ قَدَّرَ. پس نفرین کرده شد چون باز با خود اندازه گرفت. *۲۰- ثُمَّ قِيلَ كَيْفَ قَدَّرَ. باز او را بنفریندند چون خود را باز انداخت. *۲۱- ثُمَّ نَظَرَ. *۲۲- ثُمَّ عَيْسَى وَبَسْرَى. پس نگریست و روی ترش کرد. *۲۳- ثُمَّ آدَبَرَ وَأَسْتَكْبَرَ. آنگاه پشت برگردانید و گردن کشید. *۲۴- فَتَمَالَ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ. پس گفت این نیست جز جادویی که از کسی می آموزند. *۲۵- إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ. این نیست مگر گفته مردمان. *۲۶- سَأُصَلِّيهِ سَقَرَ آری، او را در آتش خواهم سوزانید. *۲۷- وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ. چه تو را دانا کرد که سَقَر چیست ؟ *۲۸- لَا تَبْقِي وَلا تَدْرُ: نه گوشت و نه استخوان را ناسوخته نگذارد. *۲۹- لَوَاحِةٌ لِلْبَشَرِ. روی و پوست و دست و پای را سیاه می کند و می سوزد. *۳۰- عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ. بر تابیدن آتش دوزخ نوزده فرشته سالارند. *۳۱- وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَأْكُوتَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا. ما دوزخ سازانرا از فرشتگان ساختیم و این شماره نوزده را نکردیم مگر برای شورانیدن و آزمایش کافران تا آنها را که تورات دادند یقین کنند و مؤمنان هم بر ایمان خود بیفزایند، و لا یرتاب الذین اوتوا الکتاب و المؤمنون و لیقول الذین فی قلبه بهم مَرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهِمْ لِيَهْدِيَ اللَّهُ بِمَثَلًا. تا آنها را که تورات دادند و مؤمنان شکت و گمان نکنند و تا منافقان و بیمار دلان و کافران بگویند: خداوند را از این عدد نوزده چه اراده کرده است؟ کَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ. آری، این چنان خداوند هر که را خواهد گمراه کند و هر که را خواهد راه نماید و شمار سپاه خداوند جز او کسی نداند و این دوزخ و این سخن نیست جز یاد آوری و پند مردمان. *۳۲- كَذَلِكِ الْأَنْعَامِ وَكَذَلِكِ الْأَنْعَامِ نَهْجَانِ اسْتِ سَوَّغًا بِه ماه. *۳۳- وَاللَّيْلِ إِذَا يَدْبَرُ. و به شب تاریک که از پس روزی آید. *۳۴- وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ. و به بامداد که روشن میشود. *۳۵- إِنَّهَا لَا حُدُودَ الْكُفْرِ. (به آن سو گندها) که دوزخ یکی از بزرگ بلاها و مهین عذابهاست. *۳۶- نَذِيرٌ لِّلْبَشَرِ. بیم دهنده مردمان است. *۳۷- لِيَمَن شَاءَ مِنكُمْ أَن يَتَّقُوا أَوْ يَتَّخِرَ. برای هر کس از شما که خواهد پای پیش نهاد تا پای پس نهد. *۳۸- كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ. هر کسی گروگان کردار خویش است. *۳۹- إِلَّا أَصْحَابَ السِّمِينِ. مگر کسان دست راست (که بهشتی اند) (۲) *۴۰- فِی جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ. آنان در بهشتها. *۴۱- عَنِ الْمُجْرِمِينَ. جوایب حال گناه کاران میشوند و می پرسند. *۴۲- مَا سَأَلْتِكُمْ فِی سَقَرٍ. چه چیز شما را به دوزخ افکند ؟ *۴۳- قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ. گویند: ما از نماز گزاران نبودیم. *۴۴- وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمُسْكِينِ. و بی نوابان را غذا نمی دادیم. *۴۵- وَكُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ. و با خداوندان باطل

۱- این آیات درباره ولید بن مغیره کافر لاجوج آمده.

۲- هر کسی مسئول و مأخوذ به کار خویش است از نیک و بد، مگر کسانی که اعتماد به فضل الاهی دارند

که آنان مأخوذ به گناه نیستند.

بر باطل مبرفتیم * ۴۶- وَكُنْتُمْ تُكذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ . و ما روز جزا را دروغ می پنداشتیم * ۴۷- حَتَّىٰ
 آتَيْنَا النَّيْقِينَ . تا آنکه رستاخیز به یقین بما آمد * ۴۸- فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ . پس ، فردا
 شفاعت کسان بحال آنها سود ندهد * ۴۹- فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكِيرَةِ مُعْرِضِينَ . آنها را چه رسید که از پند
 دوری کردند * ۵۰- كَانَتْهُمْ حُمْرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ . گوئی خران رمانیده و ترسیده اند * ۵۱- فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ . که از شیر گریخته اند * ۵۲- بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُؤْتِي صُحُفًا مُّنشَرَةً . بلکه
 هر یک از آنان می خواهند که به هر کدام نامه ای دهند گشاده و مهر برگرفته * ۵۳- كِتَابًا بَلْ لَا يَخْفَاؤُنَ
 الْآخِرَةَ . نه چنین است ، بلکه از رستاخیز نمی ترسند * ۵۴- كِتَابًا إِنَّهُ تُذْكِرَةٌ . راستی که این پندی است
 دادنی * ۵۵- فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ . تا هر که خواهد آنرا یاد گیرد و یاد کند * ۵۶- وَمَا يَذْكَرُونَ إِلَّا
 أَنْ يُشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ . و یاد نکنند و یاد ندارند جز اهل تقوی و اهل آمرزش :

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . بنام خداوند بخشنده مهربان

سرّ خویش از هر دوسرای مجرّد کن تا گردی از میدان بِسْمِ اللَّهِ بر رخسار روزگارت نشیند و خوش بخت
 همیشگی گردی ، هر چه معانی بشریت است و اندیشه طبیعت در آتش محبت بسوزد ، تا چون نام او گوئی سینه
 تو از حدیث او خبر دارد ، یک قدم از خود فرانه تا جمال این نام نقاب عزت بکشاید و بردلت متجلی شود .

تافقر و غنا هر دو تورا ردّ نشود توحید تو از شرک مجرّد نشود

اندوه و شادی این نام بود که بر تخت سلیمان تافت تا جنّ و انس و پرندگان و جانوران کمر خدمت
 او بر بستند ا پرتوی از این حقیقت بر کوزه طور تافت از هم فرو ریخت ا حشمت این نام در روز قیامت به رسول
 خدا گوید : امت را شفاعت کن و اینان را با ما بگذار که ما ایشانرا در حمایت خود میداریم ، و آن سوختگان
 اهل توحید قدم در آتش نهند و بِسْمِ اللَّهِ گویند ، آتش بگریزد و گوید : ای مؤمن موحد ، نورایمان تو مرا خاموش کرد ا
 ۱- يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ . آیه . ای مرکز اقبال ، ای منبع افضال ، ای مطلع جمال ، ای چادر بشریت بر سر
 کشیده ، و در گلیم انسانیت پوشیده شده ، اگر قرب ما را آرزو است :

۲- قُمْ فَأَنْذِرْ . آیه . برخیز از خود ، و از برخاستن خود برخیز ا و در حریم عزت ما گریز ، چادر
 بشریت از خود باز کن ، گلیم انسانیت از راه دل بردار تا دل صبحرائی شود و مرغ وار ، در عالم ارادت به هوای
 طلب پرواز کند و به آشیان قرب رسد .

بزرگی را پرسیدند : معنی قرب چیست؟ گفت اگر قرب بنده مَرَحِق را می گوئی ، عبارت از او آسان
 و اشارت بدان روان ؟ خدمتی است در خلوت از خلق نهان ، مکاشفاتی است در حقیقت از فرشته پنهان ، اگر قُرْبِ حَق
 مر بنده را می گوئی ، آن نه به طاقت گفتار است و نه عبارت و اشارت را بدان راه است ا جز این نیست که خود
 فرماید : فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِي . من ناچوسته و نادریافته نزدیکم ، در نزدیکی من
 سیاهی چشم از سپیدی دور است و من از آن نزدیکترم ا نغمس از لب دور است و من از آن نزدیکترم .

پیر طریقت گفت : اگر مردم نور قرب در عارف بینند همه بسوزند ا و اگر عارف نور قرب در خود
 بیند بسوزد ا شناختن قرب در میان زبان و گوش ننگجد که آن راهی ننگ است و از همراهی آب و گیل ،
 زبان قرب را ننگ است ، هر گاه که قرب روی نمود ، عالم و آدم را چه جای در ننگ است ا ا

تا با تو توئی ، تو را به این حرف چه کار
 کین عین حیات است وز عالم بیزار^(۱)
 ۳- وَ رَبِّكَ فَكَيْفَ آیه. (ای محمد) ، خداوندِ خود را بزرگوار دان و بزرگوار شناس، و بدانکه
 به ذات از همه چیزها برتر و به قدر از همه نشانها بالاتر است. (ای محمد)، همه قدرها در برابر قدرِ خدا محذَرین،
 همه جلالتها در عالم جلال او زوال دان، همه کمالها در جنب کمال او نقصان، و همه دعوها تاوان، با کمال او کس
 را کمال نیست، و با جمال او کس را جمال مسلّم نیست، برهان کبریائی او، هم کبریای او و دلیل هستی او، هم هستی
 او، مدح و ثنای او به دستوری او، یاد کرد او به فرمان او، طلب او به کشش او، یافت او به عنایت اوست.
 جوانمردی از عزیزان راه حق گفته: که درگاه ربوبیت، نظاره گاه ارواح است و آن درگاه را بسیار
 معارف فرو گرفته: عزت از سوی راست، جلالت از جانب چپ و قهر و کبریا و عظمت در ساحت آن حضرت
 فرو آمده، تا هر نامحرمی را زهره آن نباشد که قصد قرب حضرت کند.

هر که او را دلی و جانی بود	شد به میدان عاشقی کویش
گشته گشتند عاشقان و هنوز	نشیند است هیچ کس بویش
رحلت عاشقان ز هر سوئی	نیست از قصد دل مگر سویش

۴- وَ نَبِيَّكَ فَطَهِّرْ آیه. بگفته یکی از مفسران، یعنی دل خود را از جز خداوند پاک گردان،
 (ای محمد) دل خود را از اغیار صافی دار و از هر چه جز خدا است بیزارشو و دوست را یکتاشو، باخلق عاریت
 باش و با خود بیگانه و از تعلق آسوده، و سبب این خطاب آن بود که وحی آمد که:

۲- قُمْ فَمَا تَدْرُ، خیز و خلق را به درگاه ما دعوت کن، پس از این خطاب بر خاطر وی گذشت که حمد
 خدا را که ما را این منزلت میان عشیره و قبیله آمد که همه ما را امین و یا دین میدانند و مرا تصدیق کرده اند
 چون این قدرشان از خاطرش گذشت و این مقدار به قوم اعتماد کرد، قصه برگشت و هر چه دعوت بیشتر کرد
 خویشان از او بیشتر دور شدند، ای شگفتا! تا دعوت نبود، من به نزد همه شماها امین بودم و اکنون که رایت
 رسالت به درگاه دولت ما زدند، ما خیانت کار شدیم!

آری، (ای محمد)، ما آن کنیم که خود خواهیم، از عین خوف رجا بر آریم و در عین رجا خوف تعبیه
 کنیم: (ای محمد)، آنها که دل برایشان نهاده که به دعوت تو آشنا شوند، میان تو و ایشان هزاران خیمه هجران
 بزیم و آنان که به ایشان امید نداشتی، میان تو و آنان هزاران قبه وصال بر بندیم (ای محمد)، خویشان و تبار
 را بر تو بیرون آوردیم (چیره ساخته) تا چون از نزدیکان جفا دیدی دل بر بیگانگان نهی! زیرا ما نپسندیم که
 در هر دو عالم اعتماد تو جز بر ما باشد، همه را بر تو بیرون آوردیم (نارام ساختیم) تا در هر دو جهان جز از مات یاد
 نیاید چنانکه یعقوب چون دل بر پسر نهاد و اعتماد بر وی کرد خداوند خویشان و نزدیکان او را برگاشت تا او را
 از نزد پدرش ربودند و به چاه افکندند و این همه به آن سبب کردیم تا سر و اعتماد وی از همه بیبریم و بدانند که چون
 از خویشان وفائی نیاید، از بیگانگان بس بیشتر نیاید! پس بهتر که یک سره دل با ما دهد و اعتماد بر ما کند!

۱- یعنی تا تو خود بینی و خود خواه هستی، تو را با قرب جلال چه کار؟ زیرا مقام قرب، عین حیات است و به

پیر طریقت گفت: الاهی به درگاه آدم بنده وار، خواهی عزیز دار خواهی خوار، ای مهربان فریادرس، عزیز آن کس، کش با تو یک نفس، ای همه تو بوس ابا تو هرگز کی پدید آید کس.

سوره - ۷۵ - قیامة - ۴ - آیه - مکی - جزو ۲۹

تفسیر لفظی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان.

۱- لا اُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَمَةِ . سوگندی خورم به روز رستاخیز - * ۲- وَلَا اُقْسِمُ بِالنَّفْسِ
اللَّوَامَةِ . سوگندی خورم به نفس نکوهنده برگناه کاری - * ۳- اَیَحْسَبُ الْاِنْسَانُ اَنْ لَّنْ نَّجْمَعُ عِظَامَهُ
آیا آدمی گمان می کند که ما استخوانهای پوسیده او را فراهم نخواهیم آورد - * ۴- بَلَىٰ اَقْدَرِیْنَ عَلٰی اَنْ نُّسَوِّیَ
بَشَاتَهُ . آری، ما می توانیم که بندهای انگشتان او را راست و برقرار کنیم (مانند روز زندگی) - * ۵- بَلَىٰ یُرِیْدُ
الْاِنْسَانُ لَیْفُتَّجِرَ اَمَلَهُ . آری، انسان می خواهد که آنچه فرا پیش او است دروغ شمرد (از رستاخیز و
بازخواست (و درگناه آزاد باشد) - * ۶- یَسْتَسْتَلِ اَیَّانَ یَوْمِ الْقِیَمَةِ . می پرسد که روز قیامت کی است؟
- * ۷- فَا ذَا بَرِقَ الْبَصَرُ . آنگاه که چشم (هنگام جان کندن) خانه روشن کند و بتابد - * ۸- وَ خَسَفَ
الْقَمَرُ . آنگاه که ماه تاریک شود - * ۹- وَ جُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ . و خورشید و ماه بهم رسند .
- * ۱۰- یَقُولُ الْاِنْسَانُ یَوْمَئِذٍ اَیْنُ الْمَقَرُّ . آدم می گوید: گریزگاه کجا است - * ۱۱- کَتَلَا
لَا وَّرَرَ . نه چنان است، جای پناه و گریز نیست - * ۱۲- اِلٰی رَبِّكَ یَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ . آن روز بازگشت
بسوی خدا است - * ۱۳- یُنسَبُ الْاِنْسَانُ یَوْمَئِذٍ لِّمَا قَدَّمَ وَّ اٰخَرَ . آنگاه کنند (و پاداش دهند) انسان را
به هر چه از پیش فرستاده از کردار و رفتار و یا از پس خویش از نهاد نیک یا بد نهاده - * ۱۴- بَلَىٰ الْاِنْسَانُ
عَلٰی نَفْسِهِ بَصِیْرَةٌ . بلکه آدمی نفس خود را نیک شناسد - * ۱۵- وَلَوْ اَلْقٰی مَعَاذِیْرَهُ . هر چند که حجت
و عذر هایش را گوید و سازد - * ۱۶- لَا تُحَرِّكُ بِهٖ لِسَانُكَ لِتَعْجَلَ بِهٖ . زبان خود را برای خواندن
قرآن مجتبان تا به آن شتاب کنی. (۱) - * ۱۷- اِنْ عَلَیْنَا جَمْعُهُ وَّ قُرْآنُهُ . بر ما است که قرآن را بر تو خوانیم
و دریاد تو داریم - * ۱۸- فَا ذَا قَرَأْتَ اَنْتَا فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ . چون ما بر تو خواندیم تو پس از آن می خوان
- * ۱۹- ثُمَّ اِنْ عَلَیْنَا بَیِّنَاتٌ . آنگاه بر ما است که احکام آنرا به تو بیان کنیم - * ۲۰- کِتَابًا لِّتُحِیُّوْنَ
الْعَاجِلَةَ . (بگو به کافران) آری شما این جهان نزدیک را دوست می دارید - * ۲۱- وَ تَلَا رُونَ الْاٰخِرَةَ
و جهان پسین را می گذارید - * ۲۲- وَ جُوهٌ یُّومِئِدٍ نَّاصِرَةٌ . رویها است در آن روز شاد و تازه - * ۲۳- اِلٰی
رَبِّهَا نَاطِرَةٌ . به خداوند خویش نظر کنان - * ۲۴- وَ وُجُوهٌُ یُّومِئِدٍ بَاسِرَةٌ . و رویهاست آن روز از
اندوه گرفته - * ۲۵- تَطْنُنُّ اَنْ یُّفْعَلَ بِهَآ فَا قِیْرَةٌ . که یقین دارد که با او چه بتتری کنند - * ۲۶- کِتَابًا
اِذَا بَلَغَتِ النَّرَاقِیَّ . به راستی آنگاه که جان به چنبر گردن رسید - * ۲۷- وَ قِیْلَ مَنْ رَاقٍ . و می گویند
کدام پزشک است که افسون کند؟ - * ۲۸- وَ ظَنَّ اَنْهُ الْفِرَاقُ . و بداندست که از دنیا دوری شود - * ۲۹- وَ اَلْتَفَتِ
السَّاقُ بِالسَّاقِ . و پای او در کفن می پیچند - * ۳۰- اِلٰی رَبِّكَ یَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ . او را بسوی خدای

۱- چون هنگام نزول قرآن، پیغمبر با جبرئیل می خواند و می ترسید از خاطرش محو شود این آیه آمد.

توراندند - * - ۳۱ - فَلَآ صَدَقَ وَلَا أَصْلَبَى . نه صدقه داد (زکات) و نه نماز خواند - * - ۳۲ - وَاللَّيْنُ كَذَبٌ وَتَوَلَّى . لکن تکذیب کرد و از پذیرفتن برگشت - * - ۳۳ - ثُمَّ ذَهَبَ إِلَىٰ أَهْلِيهِ يَتَمَطَّى . آنگاه باکسان خویش خرامان شد - * - ۳۴ - أُولَىٰ لَكَ فَتَأَوَّلَىٰ . از آنچه می ترسیدی در رسیدی و آنچه نمی پسندی به سود تو نیست پس حذر کن و بترس (در باره ابوجهل است) - * - ۳۵ - ثُمَّ أُولَىٰ لَكَ فَتَأَوَّلَىٰ . باز در رسید آنچه از آن می ترسیدی ، پس بگریز از آن اگر بتوانی (۱) - * - ۳۶ - أَبْخَسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدَىٰ . آیا آدمی گمان می کند که او را بر حال خود و می گذارند بی بازخواست و باز پرس - * - ۳۷ - أَلَمْ يَكُنْ نَظْفَةً مِّنْ مَّنِيٍّ يُمَسَّىٰ . آیا آدمی نطفه ای نبود که در رحم افکنده شد؟ - * - ۳۸ - ثُمَّ كَلَانَ عِلْقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ . پس از آن خون بسته شد و خداوند آنرا آفرید و صورت و اندام او ساخت و راست کرد - * - ۳۹ - فَجَعَلَ مِنَهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ . و از آن خون بسته جفت نروماده ساخت؟ - * - ۴۰ - أَلَيْسَ ذَلِكُمْ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ . آیا چنین خدائی توانا نیست که مرده را دوباره زنده کند؟

❁ تفسیر ادبی و عرفانی ❁

بِسْمِ اللَّهِ .. بنام او که عالی ذات و صفاتی صفات و مقدس و منزّه از بنین و بنات است، کاشف تاریکیها، ایجادکننده دعاها ، نگاهدارنده از لغزشها ، آفریننده زمین و آسمانها ، روزی دهنده جانوران و جان دارها .

ای زهر غم تو در دلم آب حیات
وای عشوّه عشق تو مرا راه نجات
گفتی بزم جان تو ای حور صفات
جان از تو مرا دریغ باشد؟ هیئات ا

۱- لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ . آیه. خداوند به روز رستاخیز سوگند یاد می کند ، آن روز که بیساط جلال و عظمت او بگسترانند ، و رایت جباری به صحرای قهاری بیرون آرند ، ایوان کبریا برکشیده ، میزان عدل در آویخته و سیاست جبروت و عزت همه را مدهوش ساخته ، پیغمبران آیند و گویند: ما را دانش نیست ا فرشتگان مقرب آیند و گویند: ما حق پرستش را بجای نیاوردیم ا عارفان و مؤحدان آیند و گویند: ما تو را به حق شناسائی نشناختیم ا ای هزار حسرت اگر روز فضل دست ما را نگیرد ا و اگر آن روز کرم او به فریاد ما نرسد ا زیرا اگر عنایت او دستگیر نشود از طاعت ما چه آید؟ و اگر عدل او روی نماید ما را از هلاک چاره نباشد ا

پیر طریقت گفت: الاهی دانی که من نه به خود به این روزم ، و نه به کفایت خود شمع هدایت افروزم ا از من چه آید ؟ و از کبردار من چه گشاید ؟ طاعت من به توفیق تو ، خدمت من به هدایت تو ، توبه من به رعایت تو ، شکر من به انعام تو ، ذکر من به الهام تو است ، همه تویی من کی ام ؟ اگر فضل تو نباشد من بر چه ام ؟
۲- وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ . آیه . بعض مفسران نفس لوّامة را نفس بنده مؤمن دانسته اند که پیوسته به روزگار خود حسرت می خورد و بر تقصیر خویش خود را ملامت میکند ا و خود را می ترساند و بیم می دهد و به چشم حقارت و مذلت در خود می نگرد ا وی گوید:

۱- این چند آیه در وصف (ابوجهل) بزرگترین دشمن محمد آمده که خداوند او را سزاوار بدترین عذاب دانسته و روز جنگ بدر به سزای خود رسید .

ای نفسِ خسیسِ همتِ سودائی بر هر سنگی که بر زخمِ قلبِ آئی ا

پیر طریقت گوید : ای در راه طلبِ حق به اول قدم فرو مانده ، ای با هزار مرکب میان بادیه تکلیف در مانده ، ای با هزار شمع و چراغ سربک موی دولت نادیده ، ای در خزانه تبت افتاده و بوی مشک بمشامت نرسیده ، ای با همه غواصان به دریا فرو شده و هیچ چیز به دست نیاورده و خویش را نیز از دست بداده ، ای دیر آمده و زود بازگشته ، ای بجای شراب سرور ، سرابِ غرور خریده ، و دل و دین به بها داده :

تا کی از دار غروری سوختی داسرور

تا کی از دار فراری ساختی دار قرار

یکک تپانچه شیروزین مردار خواران یکک جهان

یکک صدای صوروزین فرعون طبعان صد هزار

بزرگی را پرسیدند که راه از کدام سو است ؟ گفت : از سوی تو نیست ، چون از تو در گذشت از همه جانبها راه است از سوی نگردد که از عالم بی نهایت ندای آید که : ای ما تو را خواسته و تو روی از ما باز گردانیده ؟ ای ما تو را از بامداد تا شبانگاه با دولت صحبت خوانده و تو قدم از کوی ما باز گرفته ! ناگزیرت مائیم ، با ما بنساز یا که بسازی ؟ اگر پیل نتوانی بود باری از پشه ای کم مباش که در صورت پیل است و گوید : اگر به قوت پیل نیستم که باری کشم ، باری به صورت پیل که بار خویش بر کس نیفکنم !

چون بنده مؤمن نفس لوآمه را به ریاضت در کشد و حق وی از روی عتاب و نصیحت به تمامی در کنار او نهد و توفیق او را مدد دهد ، بزودی آن نفس لوآمه نفس مطمئنه گردد و خطاب ربّانی به صفت اکرام و اعزاز او را استقبال کند و گوید : ای نفس مطمئنه ، بسوی خدای خویش باز گردا هم تو از خدا خشنود و هم خدا از تو خشنود . (۱) ای نفس مطمئنه و به صحبت ما آرمیده و آسوده ، تا امروز از راه نفس آمدی ، اکنون از راه دل در آئی تا به ما رسی ، بدرگاه ما دل را بار است و هیچ چیز دیگر را بار نیست !

خون صدیقان بیالودند و زان ره ساختند

جز به دل رفتن در آن ره یک قدم راه نیست

آنگاه بدان که چون از راه صدق به ما رسیدی این خلعت یابی که :

۲۲- وَجُوهٌ یَوْمَئِذٍ نَّاضِرَةٌ اِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ ، مَثَلِ بِنْدَةٍ مُؤْمِنٍ مَثَلِ بَازِ اسْتِ ، بَازِ رَا چُون بگيرند و بخوانند که شایسته دست شاه گردد ، مدتی چشم او بر بندند و بندی برپایش نهند و در اتاق تاریک باز دارند ، از جفتش جدا کنند ، یکک چندی به گرسنگی مبتلاش سازند ، تا ضعیف و نحیف گردد و وطن خود را فراموش کند ، آنگاه چشمش را بگشایند و شمعی پیش وی بیفروزند ، و طبل از بهر او زنند ، خوراک گوشت پیش او نهند ، دست شاه را بجای او دهند ، آنگاه با خود گوید : که را در همه جهان این منزلت که مرا است ؟ شمع پیش دیده من ، آواز طبل نوای من ، گوشت مرغ خوراک من ! دست شاه جای من !

بر مثال این باز است که : چون خواهند بنده مؤمن را خلعت دوستی حق پوشانند و شرابِ محبت نوشانند ، با او همین معامله کنند ، مدتی در چهار دیوار لحد باز دارند ، و گپرائی از دست و روائی از پای بستانند و بینائی از دیده بردارند و روزگاری بدین حال بگذارند ، آنگاه طبل قیامت بزنند ، و بنده از خاک لحد سر بر آرد ،

۱- اشاره به آیه : يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً .

و چشم بگشاید ، نور بهشت بیند ، دنیا را فراموش کند و شراب وصل نوشد . ا بر سفره جاویدان بنشیند و چون چشم باز کند مانند آن باز که خود را بردست شاه بیند او هم سلام شاه بشنود و میان بهشت شادان و نازان و در جلال و جمال حق نگران باشد .

لطیفه : روی مؤمنان و صدیقان و شهیدان و عاشقان مشتاقان چون ماه در فشان و چون خورشید رخشان ، خداوند را می نگرند ، آن خدای نوازنده دوستان و دل گشای مشتاقان ، چه خوش روزی که روز وصال است ، شادی آن روز بی پایان و دولت آن روز بی کران ، روز شادی و پیروزی و روز عطا و نوال و از جانب کرم ندای کرامت روان که : خانه خانه شما و من همسایه شما .

پیر طریقت گفت : بهره عارف در بهشت سه چیز است : سماع و شراب و دیدار ، سماع را فرمود : *فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ* ، شراب را گفت : *وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا* ، دیدار را گفت : *وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاصِرَةٌ إِلَىٰ أَرْبَابٍ نَّاظِرَةٍ* . سماع بهره گوش ، شراب بهره لب و زبان ، دیدار بهره چشم است ، سماع واجدان راست ، شراب عاشقان راست و دیدار دوستان راست ، سماع طرب فزاید ، شراب زبان گشاید ، دیدار صفت رباید ، سماع مطلوب را نقد کند ، شراب راز را جلوه کند ، دیدار عارف را فرد کند ا سماع را هفت اندام رهی ا گوش چون ساقی او است ، شراب همه نوش ، دیدار را زیر هر مویی دیده ای روش ا

﴿سورهٔ - ۷۶ - دهر - ۳۱ - آیه - مکی - جزو ۲۹﴾

﴿تفسیر لفظی﴾

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان .
 ۱- هَلْ آتَىٰ عَلَىٰ الْاِنْسَانِ حَیْنٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ یَكُنْ شَیْئًا مَّذْکُورًا . آیا بر انسان هنگامی از گیتی آمده که چیزی یاد کرده و یاد کردنی نبوده است؟ (۱)
 ۲- اِنَّا خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ اَمْشَاجٍ نَّبْتَلِیْهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِیْعًا بَصِیْرًا . ما آدمی را از نطفه (جریم) بهم آمیخته آفریدیم و او را می آزمائیم و او را شنوا و بینا کردیم .
 ۳- اِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِیْلَ اِمَّا شَاكِرًا وَاِمَّا كَفُورًا . ما آدمی را به راه آوردیم و راه نمودیم و هر یکی را یکی از دوراه نمودیم یا سپاس دار یا ناسپاس .
 ۴- اِنَّا اَعْتَدْنَا لِلْکٰفِرِیْنَ سَلَاسِلَ وَاَغْلَالَ وَاَسْعِیْرًا . ما برای کافران زنجیرها و غلها و آتش آماده ساختیم .

۵- اِنَّ الْاَبْرَارَ یَشْرَبُوْنَ مِنْ کَمَا سِیَّ کَانَ مِزَاجُهَا کَافُورًا . نیکان و نیکوکاران از جامی (پرمی) می نوشند که آمیغ آن کافور است (از سفیدی و خوش بوئی و خوش مزگی) .

۶- عَیْنًا یَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللّٰهِ یُفَجِّرُوْنَهَا تَفْجِیْرًا . (آن شراب را بندگان خدا) از چشمه ای

می نوشند که آنرا از آن بندگان خدا از بالا و نشیب می روانند روانیدنی ا

۱- در تفسیر آیه ، بعضی مفسران مراد از انسان ، آدم ابوالبشر و بعضی فرزندان آدم در مدت حمل نه ماهه

می دانند و بعضی دیگر مقصود همه مردم در فترت میان عیسی و محمد سی دانند .

- ۷- یُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَبِخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا . آن بندگان خدا به نذر خود وفا می کنند. و از روزی می ترسند که بدی آن روز همه جایی و همه کس می رسد.
- ۸- وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا . (آنان هستند) که هنگام نیاز و دست تنگی، درویش بی نوا و کودک بی پدر و اسیر را خوراک می دهند. (۱)
- ۹- إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا . (و به آن سه نفر می گویند) همانا، ما بشما غذا می دهیم برای خشنودی خدا و از شما نه پاداش می خواهیم نه سپاس گزاری.
- ۱۰- إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا . ما از خدای خود آن روز را می ترسیم که سخت و هولناک است.
- ۱۱- فَوَقَّيْهِمُ اللَّهُ شُرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّيْهِمُ نَصْرَةً وَسُرُورًا . خداوند هم آنان را از بدی آن روز نگاهداشت و ایشانرا تازگی روی و شادی دل داد.
- ۱۲- وَجَزَّيْنَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا . و آنانرا به سبب شکیبایی که کردند، پاداش بهشت و جامه ابریشمین داد.
- ۱۳- مُتَكِّينَ فِيهَا عَلَيَ الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا . در حالیکه (بهشتیان) بر تختها تکیه دادند و در آنجا نه گرما بینند نه سرما.
- ۱۴- وَذَانِبَةٍ عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلَّتْ قُنُوطُهَا تَدْلِيلًا . در حالیکه سایه درختان نزدیک آنها است و چیدن میوه ها نزدیک و آسان است.

۱- ابن عباس در تفسیر این آیه گوید: این آیت در شان علی امیرالمؤمنین (ع) و خاندان او نازل شده و سبب آن بود که حسن و حسین هردو بیمار شدند، رسول خدا با جمعی یاران به عیادت ایشان شدند و گفتند: یا علی برای بهبودی فرزندان نذری کن که امید برعافیت آنان باشد. علی نذر کرد که در شفای دو فرزند دلیند سه روز روزه دارد، فاطمه (ع) هم همین نذر را کرد، فضا کنیزك آنها هم همین نذر کرد.

خداوند نذر آنانرا پذیرفت و دو بیمار شفا یافتند و آنان به وفای نذر باز آمدند و روزه داشتند، و در خانه آنها غذایی نبود که روزه گشایند، علی هر تفضی از جهود خیری شمعون نام قرض خواست آن جهود سه صاع (کیل) جو به قرض او داد. فاطمه زهرا یک صاع آنرا با آسیا دست آرد کرد و پنج گرده نان از آن پخت و هنگام افطار آنرا فرایش نهادند تا خورند که ناگاه مسکینی فرا برد سرای آمد و گفت: درود بر شما باد ای خاندان پیغمبر، من یکی از مسکینان مسلمانان هستم مرا در راه خدا لقمه نان دهید.

چون علی این سخن شنید بفاطمه گفت: ای دختر بهترین خالق خدا، مسکینی بر دراز ما خوراک می خواهد چه گوئی؟ فاطمه گفت: ای پسرعم من سیر کردن بنده ای را برگرسنگی خودمان بزتری میدهم، آنگاه آن طعام را بجملگی به درویش بدادند و آن روزه را با آب افطار کردند.

روز دوم یتیمی به همان کیفیت آمد و به همانگونه سؤال و جواب خاتمه یافت و با آب افطار کردند.

روز سوم اسیری پدیدار شد و به همان منوال بگذشت و هر سه روز را با آب افطار کردند؟ و هر سه روز را اهل خانه به گرسنگی شکیبا شدند تا خداوند برائر آن کار و شکیبایی این آیت در شان آنان نازل فرمود.

- ۱۵- وَ يُطْلَفُ عَلَيْهِمْ بِأَنْبِيَاءٍ مِّنْ فِيضَةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا . و بر سر آنان ظرفهای سیمین (پیرایه‌ها) و تنگهای بلورین می‌گردانند .
- ۱۶- قَوَارِيرَ مِّنْ فِيضَةٍ قَدَرُواهَا تَقْدِيرًا . آبگینه‌هایی که گوئی از سیم است و آنها را بر اندازه شراب راست و درست کرده‌اند .
- ۱۷- وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَتْ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا . و ایشانرا از جامی می‌آشامانند که آمیغ و مزه آن شراب زنجبیل است . (چون به مذاق عرب‌ها خوش بوده)
- ۱۸- عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا . و آن چشمه‌ایست در بهشت که نام آن سلسبیل است . (یعنی گوارا)
- ۱۹- وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنشُورًا . و به خدمت آنان غلامانی چون کودکان جاویدان در گردشند که چون آنها را بینی گمان کنی مروارید پراکنده در بهشتند
- ۲۰- وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا . و چون آنها را بینی ، در آنجا ناز و نعمت و پادشاهی جاوید و بزرگ و شکوهمند بینی .
- ۲۱- عَلَيْهِمْ نِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِّنْ فِيضَةٍ وَسَقِيمٌ رَبِّهِمْ شَرَابًا طَهُورًا . جامه‌ای که رویه آنهاست سبز و دیبای ستنبر است ، و بادستینه‌های سیمین زیور شده‌اند و خداوند شرابی پاک با آنها نوشانیده است .
- ۲۲- إِن هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيِكُمْ مَشْكُورًا . (و به آنها می‌گویند) این پاداش شماست و رنجی که می‌بردید پذیرفته و پسنندیده است .
- ۲۳- إِنَّا نَحْنُ نُزَلِّنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا . ما قرآن را (ای محمد) به تو فرستادیم فرستادنی (نیکو)
- ۲۴- فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِيعْ مِنْهُمْ آئِمًّا أَوْ كَفُورًا . پس برای داوری و حکم خداوند (و خواست او) شکیبایی کن و بزه کاران و دروغ زنان و ناسپاسان را فرمان مبر .
- ۲۵- وَأَذْكُرُ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا . و نام خداوند را هر بامداد و شبانگاه یاد کن .
- ۲۶- وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا . و بختی از شب نماز گزار و شبهای دراز او را پرستش کن و بستانی :
- ۲۷- إِنَّ هَؤُلَاءِ لَیُحْيُونَ النَّعْجِیْلَةَ وَیَدْرُونَ وَرَائِهِمْ یَوْمًا ثَقِيلًا . آنان (کافران) دنیا را دوست دارند و از پس خود روزی گران می‌گذارند (و فراموش می‌کنند) .
- ۲۸- نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا . ما آنان را آفریدیم و آفرینش آنها سخت بستیم و اگر بخواهیم آنانرا به مانند‌های خودشان بدل می‌کنیم .
- ۲۹- إِنَّ هَذِهِ تَذْکِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا . این پیغام ، یاد کردی و یادداشتی است ، پس هر کس بخواهد می‌تواند (بوسیله آن) راهی به سوی خدای خویش بگیرد .
- ۳۰- وَمَا تَشَاوُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا . و نخواهید مگر آنکه خدا خواهد که اودانائی است راست دانش و راست کار .

هنگامیکه آدم بر تخت جمال و کمال بود و تاج اقبال بر سر و حُلّه کرامت در برداشت، عجب نبود که فرشتگان او را خدمت کنند، عجب آنجا است که وقتی آدم در گودال لغزش افتاد و رقم عیسیان بر او زدند، در آن حال تاج اقبال بر فرق خود بیند! آدم دوست بود ولی دوستی پوشیده نعمت بهشت بود زیرا نه هر جان نعمت بود دوستی باشد! و چون حجاب بهشت از پیش آدم برداشته شد حقیقت محبت آشکار گشت.

اما ابلیس! آنگاه که ابلیس بود کس ندانست که ابلیس است و نه خود می دانست! چون خدارا پرستش می کرد! و کرم خدمت بسته و چهره به آب طاعت شسته بود! اولی چون پایش بلغزید، معلوم شد که نه دوست است و نه بنده اولی آدم صتی دوست بود، لیکن راز دوستی در پوشیدن نعمت بود چون پایش بلغزید معلوم شد هم دوست است و هم بنده!

۵- إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِّنْ كَأْسٍ آيَةٍ. به راستی که نیکان و نیک مردان، فردا در بهشت از جام لطف شراب می نوشند، شرابی به رنگ کافور، به بوی مشک، شراب به اندازه بایسته، نه از قدر بایست چیزی کاسته و نه افزونی به سر آمده، چون کاسته و افزوده، هر دو عیب است و بهشت از عیب رسته!

۶- عَيْنِنَا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ آيَةٍ. چشمه ای در بهشت روان و فرمان بهشتی به آن روان، آنچه را چنانکه می خواهند می رانند، چشمها بر هم گشاده، کافور (سرد) در زنجبیل (گرم) و زنجبیل گرم در کافور سرد، اما این از سردی رسته و آن از گرمی افتاده! هر یک بر حد اعتدال نداشته، شراب بی مستی شراب بی خمار! شراب اُنس در جام قدس، در مجلس وجود، بر بساط مشهود، از دست دوست، در عین عیان بی هیچ زحمت در میان! ای جوان مرد، شراب آن شرابی است که دست غیب در جام دل ریزد و دیده جان نوش کند، آنان که مست شراب شدند در مستی فانی شدند و آنانکه مست دیدار ساقی شدند باقی ماندند! قومی را شراب مست کرد و مرا دیدار ساقی الاجرم ایشان در آن مستی فانی شدند و من درین مستی باقی.

لطیفه: بزرگی به خواب دید که معروف کرخی گیرد عرش الاهی طواف می کرد و خداوند به فرشتگان می گفت: او را می شناسند؟ گفتند: نه، فرمود معروف کرخی است که به میهرما مست شده و تا دیده او بر ما نیاید هشیار نشود!

آن را که به دوستی و را مست کنند
عالم همه در همّت وی پست کنند
در دوستیش نیستی هست کنند
آنگه به شراب وصل سرمست کنند!

۲۱- وَسَقَلِيمٌ رَبُّهُمُ شَرَابًا طَهُورًا آيَةٍ. شراب دوتا است، یکی امروز، و دیگری فردا، امروز شراب اُنس و فردا شراب وصل، امروز شراب از منبع لطف روان، فردا شراب طهور از کف رحمان! هر کرا امروز شراب لطف و محبت نیست، فردا او را شراب طهور نیست، امروز شراب محبت از جام معرفت می آشامند و فردا شراب طهور در بهشت رضوان، بهشت امروز دل عارفان است که دیوارش ایمان و اسلام، و زمینش اخلاص و معرفت، درختانش تسبیح و تهلیل، جوی هایش تقوی و توکل، کاخ هایش از علم و زهد، منظره اش از صدق و یقین، رضوانش رضا به قضا است فردا همه مؤمنان حق را بینند اما هر یک بقدر شناخت خویش.

لطیفه: هر کس امروز فردوس دل را به طاعت و عبادت آراسته دارد، فردا او را فردوس رضوان

بود، آن فردوس که جوی های آن، آب و شیر و می و عسل است و خدمت گزاران غلغانانند و غم گساران پریانند .
 پیر طریقت گفت: در دیدار به شرکت چه لذت باشد؟ مجلسی باید از اغیار خالی ا و دوست متجلی و
 نگرنده در دیده فانی، آن چشم که در او نیگردد هرگز فرا کرده نباشد و آن دیده که او را دید مانندش نبود ا
 خوانده او هرگز بدبخت نبود، و نزدیک کرده او را در دو گیتی جای نباشد او مصاحب او را به بهشت نیازی نبود ا
 و مستی او جز از ساقی او نبود چون که خداوند آنرا شراب پاک نوشانیده ا

سوره ۷۷ - مرسلات - ۵۰ آیه - مدنی - جزو ۲۹

تفسیر لفظی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بنام خداوند فراخ بخشایش مهربان .

- ۱- وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا . سوگند به بادهای فروگشاده پیاپی پیوسته - * - ۲- فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا
 و به بادهای سخت کشتی شکن - * - ۳- وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا . و به فرشتگان گشاینده و پراکن کننده کُراسه های
 (دفاتر) خواندنی برای پیغمبران - * - ۴- فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا . و به کسانی که پیغام خدای بر پیغمبران را برای فرق میان
 حق و باطل می افکنند - * - ۵- فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا . و به فرشتگانی که قرآن را بر دل و گوش پیغمبران می افکنند
 - * - ۶- عُدْرًا أَوْ نُذْرًا . برای باز نمودن عذر یا آگاه کردن و بیم دادن ا - * - ۷- إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَوَاقِعٌ .
 که آنچه شما را به آن می ترسانند راست است - * - ۸- فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ . پس آنگاه که ستارگان
 خاموش شوند (بسترند) - * - ۹- وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ . و آنگاه که آسمان بگشاید و بشکافد - * - ۱۰- وَإِذَا
 الْجِبَالُ نُسِفَتْ . و آنگاه که کوه ها از بیخ برکنده و رورنده شوند - * - ۱۱- وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِتَتْ . و آنگاه
 که پیغمبران را برای هنگام معین حاضر کنند - * - ۱۲- لَيْلَى يَوْمِ الْجَدَّتِ . برای چه روزی حاضر کنند؟
 - * - ۱۳- لِيَوْمِ الْفَصْلِ . برای روز داوری برگشادن - * - ۱۴- وَمَا أَدْرَايْكُمْ مَا يَوْمُ الْفَصْلِ . چه چیز
 تورا دانا کرد که روز داوری چه روزی است - * - ۱۵- وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكذِّبِينَ . وای بر تکذیب کنندگان
 آن روز - * - ۱۶- أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ . آیا ما پیشینان را هلاک نساختم؟ - * - ۱۷- ثُمَّ نُنَبِّئُهُمُ الْآخِرِينَ
 آنگاه پسینان را پس ایشان می بریم - * - ۱۸- كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ . بدین گونه با گناه کاران رفتار
 کنیم - * - ۱۹- وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكذِّبِينَ . تفسیر آن گذشت - * - ۲۰- أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ
 آیا نه شما را از آب خوار و ننگین آفریدیم؟ - * - ۲۱- فَجَعَلْنَا فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ . آن آب را در قرارگاه
 آرای قرار دادیم - * - ۲۲- إِلَىٰ أَقْدَرٍ مَّعْلُومٍ . تا هنگام نامزد کرده و دانسته شده - * - ۲۳- فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ
 الْقَادِرُونَ . ما آنرا اندازه نهادیم و نیک اندازه کن که مائیم - * - ۲۴- وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكذِّبِينَ . تفسیر آن
 گذشت - * - ۲۵- أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا . آیا ما زمین را نهان دارنده نکردیم؟ - * - ۲۶- أَحْيَاءٍ وَآمَوَاتًا .
 تا می پوشد زندگان را در روی زمین و مردگان را در زیر زمین - * - ۲۷- وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ
 وَاسْتَقِيمْنَا كُم مَّاءً فَرَاتًا . و ما در زمین کوه های بلند آفریدیم و شما را آب گوارا نوشانیدیم - * - ۲۸- وَيَلَّ
 يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكذِّبِينَ . تفسیر آن گذشت - * - ۲۹- إِنظَلِقُوا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِ تُكذِّبُونَ . بروید بسوی
 آنچه دروغ می شهردید - * - ۳۰- إِنظَلِقُوا إِلَىٰ الظِّلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ . اکنون بروید بسوی سایه سه شاخ

*-۳۱- لا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ السَّهَبِ . که نه سایه دار و نه خنک است و نه از زبانه و تَف آتش بازدارنده است *-۳۲- إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرِّ كَالْقَاصِرِ . آن زبانه آتش مانند کاخی بلند شراره می افکند . *-۳۳- كَأَنَّهُ جُمَالَتٌ صُفْرٌ . گوئی که شتران سیاهند *-۳۴- وَيَلُ يَوْمَئِذٍ لِّلسُّكُكَةِ بَيْنَ . تفسیر آن گذشت *-۳۵- هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ . آن روزی که هیچکس سخن نگوید *-۳۶- وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَدِرُونَ . و به آنها اجازه عذرخواهی داده نمی شود *-۳۷- وَيَلُ يَوْمَئِذٍ لِّلسُّكُكَةِ بَيْنَ . تفسیر آن گذشت *-۳۸- هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأُولَى بَيْنَ . آن روز روزِ داوری است که شما را با هم آوردیم و کسانی که پیش از شما بودند *-۳۹- فَإِنْ كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُوا . اگر شما را دستانی است بسازید ، یاسازی می توانید با من پیش آرید بیاورید *-۴۰- وَيَلُ يَوْمَئِذٍ لِّلسُّكُكَةِ بَيْنَ . تفسیر آن گذشت *-۴۱- إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ . پرهیزکاران در سایه های چشمه هایند *-۴۲- وَقُوا كَيْدَ مِمَّا يَشْتَهُونَ . و میوه ها از هر چه مایل باشند (آماده دارند) *-۴۳- كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (به آنان گویند) بخورید و بیاشامید، گوارا باد بر شما به سبب آن کردار نیک که در دنیا می کردید *-۴۴- إِنَّا كَذَبْنَا لِكَيْدِ النَّجْرِيِّ الْمُحْسِنِينَ . ما نیکوکاران را این چنین پاداش دهیم *-۴۵- وَيَلُ يَوْمَئِذٍ لِّلسُّكُكَةِ بَيْنَ تفسیر آن گذشت *-۴۶- كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ مُّجْرِمُونَ . (به کافران گویند) بخورید و روزگاری اندک برخوردار باشید که شما گناه کارانید *-۴۷- وَيَلُ يَوْمَئِذٍ لِّلسُّكُكَةِ بَيْنَ . تفسیر آن گذشت . *-۴۸- وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ارْكَعُوا لَا تِرْكَعُونَ . و چون به دروغ زنان گفته شود که نماز گزارید، نماز نکنند *-۴۹- وَيَلُ يَوْمَئِذٍ لِّلسُّكُكَةِ بَيْنَ . وای بر دروغ پنداران در آن روز (تکرار آیات قرآن حکمت بسیار دارد) *-۵۰- فَنَبَأَ حَتَّىٰ أَجَدَ يَثُ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ . پس از این که به قرآن نمی گروند به کدام سخن خواهند گروید ؟

تفسیر ادبی و عرفانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ - بِسْمِ اللَّهِ کلمه ایست که هر کس آنرا بگوید ، خوشی و بهجت دنیا و آخرت دارد و هر گاه این کلمه بر دل کسی مسلط و مستولی شود او را از هر کاری غیر از یاد خدا باز میدارد و هر گاه در گفتن آن مواظبت کنید و مداومت دهد ، از هر هول و ترسی ایمن باشد.

بنام خدائی که بر پادشاهان پادشاه است و پادشاهی وی نه به حشمت و سپاه است ، دورین و نزدیکان و از نهان آگاه و به هر چیز بینا و به هر گاه آگاه و به هر کار دانا ، چه بانگ بلند او را ، چه راز دل ، چه روز روشن ، چه شب سیاه . بنام او که از لطف به مشتاقان خود مشتاق است ، و از نیک خدائی اوست که با بندگانش عهد و میثاق است .

آب و گل را زهره مهر تو کی بودی اگر؟ هم به لطف خود نکردی در آن زلشان اختیار!

اگر نه به لطف بودی، که یارستی که یاد او به خواب اندر بیند او اگر نه عنایت او بودی، که توانستی به

حضرت او رسیدن!

پیر طریقت در مناجات خویش گفت : الهی ، کدام زبان به ستایش تو رسد ؟ کدام خرد صفت تو را

برتابد ؟ کدام شکر با نیکوئی تو برابر آید ؟ کدام بنده به گزاردن عبادت تو رسد ؟ خدایا ، از ما هر کرا بیی ،

معیوب بینی، هر کردار بینی همه با تقصیر بینی، با این همه اباران رحمت تو باز ایستند و جز گُلِ کَرَم نروید! چون با دشمن با چنان رحمتی، پس با دوستان چه اندازه و چه پایان؟

۱- وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا آیه. خداوند عالم درین آیه‌ها، خود را به توانائی و دانائی و مهربانی به خلق تعریف می‌کند، و منتهای خود در کفایت خود بر ایشان آشکار می‌سازد، و حجت خود را بر کافران و دشمنان پیدا می‌دارد، و مؤمنان و دوستان را نیک خدائی خود بیان می‌کند، تا نه دوست را شک و تردید ماند، و نه دشمن را مجال معذرت.

خداوند درین آیه‌ها به چهار باد و زنده با طبیعتهای پراکنده سوگند یاد می‌کند از: مرسلات و عاصفات و ناشرات و فارقات، یکی گرم و نرم در فصل بهار (مراسلات) باعث سبز شدن باغ و نشاط درختان و آراستن دشت و کوه و آشکار ساختن نهانهای زمین و دومی با طبع گرم و خشک در فصل تابستان (عاصفات) که زمین خشک می‌شود، میوه و دانه میرسد و زمین را آفت سوختن و گیاه رنگ به رنگ شدن، قدرت خود را آشکار می‌کند و سومی (ناشرات) نرم و سرد در فصل پائین، که هوا از سموم می‌شوید و طبع زمستانی را با نرمی و مدارائی با تابستان می‌آمیزد و طبع تابستانی را به لطف با طبع زمستانی پیوند میدهد و چهارمی (فارقات) با طبع سرد و خشک که زمین دهان باز گشاید، و عفونت از خاک برگیرد و خزینه‌های درختان را مهر کند، و تنف از پوست آدمی به باطن او گرداند و در نتیجه همه آنها قدرت خود را می‌نمایاند!

این چهار باد زمین است که از چهار روی جهان در یک سرای نهان، جَوَک جَوَک فرو می‌گشاید و موج می‌فزاید! نه پیدا که از کجا در رسیده و چگونه فرو نشسته؟ بادهای نرم تر از آب، گرم تر از آتش، سخت تر از سنگ، بی‌رنگ و بوی!

و عجب تر از آنها دوباد است که از لب و بینی خیزد گاه سرد و گاه گرم، بر اندازه میراند، گرم سردی گرداند و سرد گرم اثر خشک می‌کند و خشک تر از نرم سخت می‌سازد و سخت نرم، خداوند قدرت خود را با آن آشکار می‌سازد. ۴۱- إِنَّ الْمُسْتَقِيمِينَ فِي ظِلَالٍ وَعَيُونٍ آیه. مؤمنان و موحدان را که درازل رقم سعادت کشیده و در سرای محبت آنان را بار داده، چون درین آیه‌ها تأمل کنند، نشانه‌های قدرت و شگفتیهای حکمت و لطیفه‌های نعمت ببینند! آنگاه بهار توحید از دل آنان سرزند، درخت معرفت به بار آید، انس سایه افکننده چشمه حکمت گشاید، نرگس خلوت روید، یاسمن شوق بردهد، امروز در سایه معرفت و فردا در سایه لطف و عنایت به آنها گویند: بخورید و بیاشامید، گوارای وجود! امروز به ذکر سیراب میشوند و فردا به وصل، امروز به محبت سیراب می‌گردند فردا به مشاهدت!

بایزید بسطامی، شبی در مناجات بود، جهانی دید آرمیده، مهتابی روشن تابیده، ستارگان رخشنده، آرامشی در جهان افتاده، نه از کس آوازی، نه از هیچ گوشه رازی و نیازی، با خود گفت: دریغا، در گاهی بدین بزرگواری و چنین خالی از غیب ندائی شنید که ای بایزید، تو پنداری که خالی است، پرده از گوشت بر گرفتند، گوش فرادار تا ناله سوختگان و زارندگان شنوی، بایزید گوید: چهار گوشه جهان پیش من نهادند، از هر گوشه‌ای ناله‌ای شنیدم و از هر زاویه‌ای سوزی و نیازی و از هر سوئی دردی و گدازی! بایزید خود را در پهلوئی آنها ناچیز

دید چون قطره در دریائی و یا ذره در هوائی از زبان حسرت و حیرت بگشاد و گفت: خداوند! در دریای شوق تو بسی غرق شدگانند و در بادیه ارادت تو بسی متحیرانند! و بر درگاه جلال تو بسی کشتگانند و بر امید وصال تو بسی دلشدگانند! نه هیچ طالب آرام، و نه هیچ قاصد را رسیدن به کام! پیر طریقت اینجا سخنی نغز گفته: الاهی، این سوز امروز ما درد آمیز است، نه طاقت به سر بردن و نه جای گریز است. این چه تیغ است که چنین تیز است، نه جای آرام و نه روی پرهیز است، الاهی، هر کس بر چیزی است و من ندانم بر چه ام؟ بیم آنست که کی دانسته شود که من کیم؟ الاهی، این تن من کان حسرت است، و دل من مایه درد و محنت! می نیارم گفت کین همه چرا بهره من؟ و نه دست رسد مرا بر کان چاره من!

سوره ۷۸ - نباء - ۴۰ - آیه - مکی - جزو ۳۰

تفسیر لفظی

جزو سی ام:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ - بنام خداوند بخشنده مهربان .
 ۱- عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ . از چه چیز چندان می پرسند؟ * - ۲- عَنِ النَّبَاِ الْعَظِيْمِ . تو را از آن خبر بزرگ می پرسند * - ۳- الَّذِي هُمْ فِيْهِ مُخْتَلِفُونَ . آن خبر که در آن مختلفند و خلاف گویانند * - ۴- كَتَلًا سَيَعْلَمُونَ . آری، راستی آگاه خواهند شد و خواهند دانست * - ۵- ثُمَّ كَتَلًا سَيَعْلَمُونَ . پس به راستی عاقبت کار را خواهند دانست * - ۶- اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ مِهَادًا . آیا ما زمین را آرامگاه شما نکردیم؟ * - ۷- وَالْجِبَالَ اَوْتَادًا . و کوهها را میخ زمین نکردیم؟ * - ۸- وَ خَلَقْنَاكُمْ اَزْوَاجًا . و شما را جفت مرد و زن آفریدیم * - ۹- وَ جَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا . و خواب شما را آسودن از رنجها کردیم * - ۱۰- وَ جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا . و شب تاریک را بر شما چون جامه پوشانیدیم * - ۱۱- وَ جَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا . روز را برای کسب روزی ساختیم * - ۱۲- وَ بَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا . و بالای سر شما هفت آسمان آفریدیم * - ۱۳- وَ جَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا . و آفتاب را چراغ فروزان ساختیم * - ۱۴- وَ اَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا . و از میغهای پر آب، آب ریزان فرورستادیم * - ۱۵- لِنُخْرِجَ بِهٖ حَبًّا وَ نَبَاتًا . تا از زمین دانهها و رستهها بیرون آریم * - ۱۶- وَ جَعَلْنَا الْاَنْفُسَ . و میوهستانهای انبوه و هنگفت (سازیم) * - ۱۷- اِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا . روز داوری هنگام حساب خدا با بندگان است * - ۱۸- يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ اَفْوَاجًا . آن روز که در صورت مندگروه گروه می آئید * - ۱۹- وَ فُتِحَتْ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا . و آسمان گشوده شود، و درها باشد * - ۲۰- وَ سَيَّرَتِ الْجِبَالَ فَكَانَتْ سَرَابًا . و کوهها فرارفتن آرند، تا زمین از آن تهی گردد، چنانکه از آن کور آب (سراب) تاود و آب نماید * - ۲۱- اِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا . همانا دوزخ گذرگاه است * - ۲۲- لِلطَّاغِيْنَ مَابًا . کافران و سرکشان را بازگشتن گاه است * - ۲۳- لَا يَشِينُ فِيْهَا اَحْقَابًا . اندر آن جای سالهای بی شمار نمائند * - ۲۴- لَا يَبْدُوْنَ فِيْهَا بَرْدًا وَ لَا شَرَابًا . نچشند در آن نه خنکی و نه شراب * - ۲۵- اِلَّا حَمِيْمًا وَ غَسَّاقًا . مگر آب داغ و خونابه سرد * - ۲۶- جَزَاءً وَ فَاقًا باداشی درخور کردارشان * - ۲۷- اِنَّهُمْ كَانُوْا لَا يَرْجُوْنَ حِسَابًا . چون ایشان امید حساب رسی نداشتند